

حجرات

شماره ۱۷۳ و ۱۷۴ مرداد و شهریورماه ۱۳۹۹ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

پرونده ویژه: آخرین دست‌آوردهای
صنایع دفاعی کشور

گفت و گو با شیرین هادی‌زاده
بازیکن اسبق تیم ملی ووشوی بانوان کشور

توانستن به سبک

توانیتو

معرفی اجمالی استارت آپ توانیتو

COVID-19

ایثار از جنگ با عراق تا جنگ با کرونا

سپیدپوشان سلامت



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

فرصت، مانند ابر (از افق زندگی) می‌گذرد، پس فرصت‌های خیر را غنیمت بشمارید
و از آن‌ها استفاده کنید.
امیر المؤمنین^(ع)، نهج البلاغه، حکمت ۲۰



۴	سرمقاله
۵	رهنمودهای رهبری
۶	اخبار جوان
۸	همدلی
۱۰	برادرانه‌ترین عاشقانه تاریخ
۱۲	یادگاری‌های سردار
۱۴	در سراشیبی افول
۱۷	بررسی نقش مادر در شکل‌گیری روحیه فداکاری در جوانان
۱۸	مهران، جلوه مقاومت و پایداری
۲۰	ایده‌پردازی و انتخاب مسیر درست
۲۲	۱۰ نکته مفید جهت آرامش روح و روان
۲۴	وقایع کلیدی عملیات خیبر
۲۶	شجره طیبه
۲۸	گفتگو با شیرین هادی‌زاده ووشوکار تیم ملی
۳۰	معرفی استارت‌آپ توانیتو
۳۲	پایه‌پای مردان در همه عرصه‌ها
۳۴	داستان
۳۶	مدافعان حرم جوان
۳۸	شعر
۴۰	پوستر امر به معروف
۴۱	شیرودی شیردل
۴۲	پزشکی و دستاوردهای آن در ایران
۴۵	سپیدپوشان سرزمین سرخ
۴۶	مشتاق پرواز
۴۸	آخرین دستاوردهای صنایع دفاعی
۵۰	سپیدپوشان سلامت
۵۲	شهادت به وقت خدمت
۵۴	حضرت علی اکبر (ع)
۵۶	معرفی کتاب
۵۸	سیرت‌کاملی دانش برنامه‌نویسی



صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیرمسئول و سردبیر: رحیم نریمانی
ناظر تولید: سیده فاطمه رضایی
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری

دبیر تحریریه: حامد قلیزاده معز
مدیر هنری: ایمان رفاقتی
گرافیک: سپیده الهوردی

امور فنی: آتلیه شاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
امور مشترکین: محمدرضا اصغری
هماهنگی تولید: شرکت وب مهراز

تلفن دفتر تحریریه: ۰۲۱۲۸۴۲۳۰۱۵

تلفن امور مشترکین:
۰۲۱۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین:
۰۲۱۸۸۸۲۸۴۳۵

صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵

ناشر: انتشارات شاهد
تهران خیابان آیت‌الله طالقانی، خیابان ملک‌الشعرای
بهار شمالی، شماره ۵
تلفن ۰۲۱۸۸۳۰۸۳۴۸

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

• مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.
• مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود.
• نقل مطالب مجله با ذکر ماخذ مجاز است.

جهت دریافت نسخه‌ی الکترونیکی مجلات شاهد
می‌توانید به آدرس www.mag.navideshahed.com
مراجعه نمایید.

دفاع مقدس یعنی اینکه انسان برای عقاید و داشته‌های ارزشمند خود مبارزه کند و میدان را خالی نگذارد. این نگاه در طول تاریخ و در دوره‌های مختلفی از تاریخ کشورمان بارها و بارها مشاهده شده است. پیر و جوان، زن و مرد، روحانی و بازاری و همه اقشار ملت بزرگ ایران در طول هشت سال دفاع مقدس در مقابل تهاجم ناجوانمردانه دشمن بعثی آزادانه و غیرتمندانه ایستادند و ثابت کردند یک ملت آزاده هیچ‌گاه در مقابل متجاوز، سر خم نمی‌کند. در اینگونه مواقع، جوانان یک کشور بیشتر از سایر مردم زیر ذره‌بین جهانیان قرار می‌گیرند که در مورد ایران و هشت سال جنگ تحمیلی، جوانان ایرانی ثابت کردند که غیرت، ذاتی و زینت یک ملت است.

در این برهه از زمان که کشورمان از هر سو تحت تحریم‌ها و ناجوانمردی‌های فراوانی قرار دارد، جوانان عزیزمان بارها ثابت کردند که فرزندان این انقلاب و وارثان شهدا هستند. انقلابی که پدران و مادرانشان با خون خود رقم زدند و دفاع جانانه‌ای که از وطن کردند. این مسئله ادامه دارد و در زمان حال نیز همگی امید کشور به تلاش و پایداری نسل جوان و تداوم رخداد شاهکارهایی است که می‌تواند کشور عزیزمان را نه تنها از زیر حمله‌های استکبار برهاند، بلکه ثابت قدم در ادامه راه شهدا، جایگاه قدرتمندانه ایران را در منطقه و جهان حفظ کند.

جوانان عزیز! چشم امید ملت سرافراز ایران و رهبر معظم انقلاب به شماست تا تحت عنایت پروردگار عالمیان و توسل به ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، پای در راه شهدای والامقام، این بار در عرصه توسعه و آبادانی کشور نقش آفرینی کنید و در این راه همه ملت ایران پشتیبان شما هستند و خواهند بود.

سردبیر





توصیه‌ی من به شما جوان‌های عزیز، چه دانشجو و چه بقیه‌ی جوان‌ها، مسئله‌ی خودسازی است؛ خودسازی خیلی مهم است؛ هم در ابعاد فردی، هم در ابعاد جمعی. هم شخص خود شما باید خودسازی کنید، هم جمع‌تان باید به عنوان یک جمع خودسازی کند؛ خودسازی خیلی مهم است.

۹۹/۲/۲۸

● افزایش ۶۰ درصدی سقف تسهیلات قابل پرداخت از محل حساب

پس‌انداز مسکن جوانان در تهران

یکی از بهترین انواع تسهیلات قابل پرداخت خرید مسکن به لحاظ نرخ سود و مدت بازپرداخت که در حال حاضر در شبکه بانکی پرداخت می‌شود، تسهیلات بانک مسکن از محل حساب‌های پس‌انداز مسکن جوانان است.

متقاضیان افتتاح حساب پس‌انداز مسکن جوانان می‌توانند سپرده‌گذاری خود را با واریز حداقل مبلغ ماهیانه (به دفعات یا به صورت یک‌جا در ابتدای دوره) آغاز کنند. برداشت از حساب پس‌انداز مسکن جوانان در هر مقطعی بلامانع است، اما برداشت از حساب مذکور باید به صورتی انجام پذیرد که متوسط موجودی حساب از حداقل مبلغ تعیین شده توسط بانک مرکزی در هر سال - که جداول آن در وبسایت بانک مسکن متناسب با سقف و واریزی‌های جدید تعیین شده در سال ۹۹ به‌روز خواهد شد - کمتر نشود.



● پیر شدن جمعیت تا بیست سال آینده

تازه‌ترین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۰ نیمی از جمعیت کشور زیر ۳۳ سال و بقیه بالای این سن قرار دارند؛ کشور در سال ۱۳۸۵ وارد دوره میانسالی شد و در سال ۱۴۱۵ از آن خارج می‌شود و در سال ۱۴۲۰ به دوره کهولت خود وارد خواهد شد!

مطالعه روند تغییرات شاخص‌های میانه سنی، درصد کهنسالی و نسبت کهنسالان به کمسالان در جمعیت نشان می‌دهد که میانه سنی در سال ۱۳۳۵ رقمی در حدود ۲۱,۶ سال بوده است که کمی کاهش یافته و در سال ۱۳۴۵ با افزایش مولید در کشور و افزایش امید به زندگی بدو تولد به رقم ۱۸,۶ کاهش یافته است و از این زمان به بعد تا سال ۱۳۷۵ همچنان زیر ۲۰ سال باقی مانده است. روند افزایش این میانگین سنی از سال ۱۳۸۰ آغاز شد به گونه‌ای که در سال ۸۰ به ۲۰,۸ سال می‌رسد و از این سال به بعد روند افزایشی خود را طی می‌کند و در سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۳ سال و در سال ۱۴۲۰ به رقمی در حدود ۴۷ سال می‌رسد؛ این ارقام نشان می‌دهد که در سال ۱۳۴۵ نیمی از جمعیت کشورمان کمتر از ۱۸ سال و نیمی دیگر بیش از ۱۸ سال سن داشته‌اند اما در سال ۱۳۸۰ نیمی از جمعیت کمتر از ۲۰,۸ و نیمی دیگر بیشتر از ۲۰,۸ سال سن داشته‌اند.

با این روند تا ۲۰ سال آینده بیشتر جمعیت ایران را کهنسالان تشکیل می‌دهند که می‌تواند به چرخه زندگی و اقتصاد کشور آسیب بزند.





«برشانه‌های اقیانوس» شرحی تازه از نهج البلاغه برای جوانان در آستانه نشر

انتشارات کتاب جمکران شرحی بدیع از نهج البلاغه را در حال تدوین دارد. حجت الاسلام علی رهبر عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان به پشتوانه تدریس چهل ساله نهج البلاغه برای دانشجویان، شرحی ادیبانه با مخاطب جوان به نگارش در آورده، اثری موجز و مفید برای ارتباط بیشتر نسل نو، از سخنان آسمانی علی بن ابیطالب علیه السلام.

برگزاری جشنواره نهضت جوانان مسئله محور

جشنواره نهضت جوانان مسئله محور «دومین جشنواره نجم» با هدف ایجاد بستری برای ارائه دستاوردهای دانشجویان و طلاب کشور توسط بسیج دانشجویی برگزار می شود. مطالبه گری، گفتمان سازی و جریان سازی، فرهنگ، هنر و رسانه، پنل های تخصصی، خدمات اجتماعی پژوهش، نوآوری و فناوری، تربیت، آموزش و تشکیلات سازی از محورهای این جشنواره است. دانشجویان از ۱ تا ۲۰ مهرماه برای ارسال آثار خود به این جشنواره مهلت دارند و می توانند از طریق سایت najmfestival.ir در این جشنواره ثبت نام کنند. این جشنواره از اول تا ۷ آذر ماه در سازمان بسیج دانشجویی برگزار می شود.



ساخت ۳۰۰ محصول تحریمی توسط جوانان ایرانی

اسماعیل قادری فر، رئیس مرکز توسعه فناوری های راهبردی معاونت علمی و فناوری به مهر خبر داد که حدود ۳۰۰ محصول تحریمی توسط ۵ هزار و ۳۰۰ شرکت دانش بنیان به تولید می رسند و روند تولید همواره رو به افزایش است. یک فعال توییتی در واکنش به این خبر نوشت: درست در زمانی که همه سروصدای رسانه های داخلی و خارجی به فعال شدن یا نشدن مکانیسم ماشه و ایجاد تحریم های جدید برای ایران ختم می شود، جوانان ایرانی در شرکت های دانش بنیان داخلی، بی سروصدا موفق به تولید ۳۰۰ محصول تحریمی شده اند تا نیاز کشور در روزهای سخت تحریم برطرف شود.



همدلی

مهم‌ترین سرمایه مردم در دوران دفاع مقدس

مصاحبه‌گر: توحید سیف



دوران هشت ساله دفاع مقدس، دوره‌ای بسیار حساس در تاریخ معاصر ایران تلقی می‌شود. خیزش گسترده داوطلبان برای حضور در جبهه از مهم‌ترین دلایل ایستادگی ایران در برابر کشوری بود که حمایت گسترده جهانی را برای جنگ مقابل ایران پشت خود داشت. در این دوره مردمی که در پشت جبهه‌ها بودند چرخ‌های اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آوردند، مردمی که خود وضعیت معیشتی مناسبی نداشتند، شرایط اقتصادی کشور با توجه به وجود یک جنگ فرسایشی شرایط مناسبی نبود، ولی مردم همدلانه برای دفاع از کشور خود تلاش می‌کردند. با نگاهی به آمار متوجه می‌شویم که حداقل دستمزد ایرانیان در ۵ سال اول جنگ ثابت بوده است و در سال‌های بعدی هم با افزایش کمی مواجه شده، در حالی که بخاطر جنگ و مشکلات سیاسی آن زمان نرخ تورم اکثراً بالا بوده و همین موضوع قدرت خرید مردم را پایین می‌آورده است ولی مردم با تمام توان برای اعتلای کشور و پیروزی در جبهه‌های حق علیه باطل تلاش می‌کردند.



برای بررسی وضعیت معیشتی مردم و کسبه در دوران دفاع مقدس به بازار اردبیل رفتیم و با چند نفر از بازاریان اردبیل که در زمان دفاع مقدس هم در همین صنف فعالیت داشتند درخصوص شرایط آن زمان صحبت کردیم. حاج آقا موسوی در بازار سرپوشیده اردبیل مغازه لباس فروشی دارد، حالا که کمی سالخورده شده است پشت دخل می‌نشیند و پسرش کارهای مغازه را انجام می‌دهد، وقتی از زمان جنگ می‌پرسم می‌گوید: «روزهای سختی برای مردم بود اما مردم هوای همدیگر، هوای کشور خود را داشتند. همه یک دل بودند و کافی بود که بدانند جایی کسی به کمک نیاز دارد.»

از آقای موسوی می‌پرسم که وضعیت کسب و کارتان در آن دوره چگونه بود، می‌گوید: «نانی درمی‌آوردیم برای خانواده، اما خبری از کسب و کار آنچنانی نبود. مردم خیلی مرفه نبودند و در حد نیاز خود خرید می‌کردند، بازاریان هم به فکر مردم بودند، و البته همه باهم به فکر جنگ و جبهه و دفاع از وطن بودند.»

می‌پرسم که بازاریان چگونه کمک حال مردم و سربازان وطن بودند، آقای موسوی می‌گوید: «کسبه انصاف را خیلی رعایت می‌کردند، باور نمی‌کنید اگر بگویم در فروش بعضی از محصولات حتی سودی برای کسبه وجود نداشت اما بخاطر نیاز مردم آن اجناس را هم در کنار اجناس دیگر می‌آوردیم و اجازه نمی‌دادیم که کمبود در شهر احساس شود.»

او ادامه می‌دهد: «علاوه بر این بازاریان کمک‌های سازمان یافته‌ای برای جبهه‌های جنگ داشتند، ما جامعه صنفی تشکیل داده بودیم و از طریق این جامعه هر ماهه از سودهای اندک بازاریان کمکی جمع می‌کردیم و با تبدیل آن کمک‌ها به اجناسی که در جبهه‌ها نیاز بود، کمک‌های خود را ارسال می‌کردیم. بازاریان و جامعه‌های صنفی شکل یافته به خانواده‌های نیازمند سطح شهر هم کمک می‌کردند. اگر خانواده‌ای وضعیت معیشتی مناسبی نداشت شناسایی می‌شد و از محل کمک‌های مالی به آنها کمک می‌شد.»

آقای موسوی یک مغازه دیگر را هم معرفی می‌کند که صاحبش از آن زمان در بازار است، آقای جوادی ۵۹ ساله است و در زمان جنگ به واسطه شغل خانوادگی در بازار در کنار پدرش پارچه فروشی می‌کرده است. او می‌گوید: «اردبیل به واسطه موقعیت جغرافیایی‌اش مستقیم درگیر جنگ نبود، البته یک بار در ۲۱ اسفند ۱۳۶۶ مورد حمله جنگنده‌های عراقی قرار گرفت که روز وحشتناکی بود، اما با این حال در طول تمام سال‌های دفاع مقدس حال و هوای جبهه‌ها در کوچه پس کوچه‌های شهر جاری بود، جوانان عازم جبهه‌ها می‌شدند و مردم از کمترین دارایی‌شان برای جبهه‌ها کمک می‌فرستادند.»

از او درخصوص وضعیت مالی مردم و کسب و کار در آن دوره می‌پرسم، آقای جوادی می‌گوید: «شرایط اقتصادی کشور خوب نبود، ما با یک دشمن ظالم در جنگ بودیم و درواقع با ده‌ها کشور دیگر نیز که دشمن پنهان بودند می‌جنگیدیم، بنابراین مردم درآمد زیادی نداشتند، اما شرایط را درک می‌کردند، مردم به یکدیگر و حتی به دولت کمک می‌کردند، آنها فقط نیازهای ضروری خود را از بازار تهیه می‌کردند و با قناعت زندگی خود را می‌گذراندند.»

حکایت یک دلدادگی برادرانه‌ترین عاشقانه تاریخ

وقتی ما در عمیق‌ترین شکل رفاقت قرار داریم از آن به برادری تعبیر می‌کنیم و بهترین رفقای خودمان را به اصطلاح «داداش» خطاب می‌کنیم. اما دو برادر در تاریخ هستند که چنان به هم گره خورده‌اند که حتی تقویم هم با یک روز اختلاف در فاصله‌ای ۲۲ ساله آنها را در کنار هم قرار داده، تولد یکی به نام روز پاسدار و تولد دیگری به نام انباز نامگذاری شده. درست حدس زدید روایت، روایت بردارانه امام حسین (ع) و ابوالفضل (ع) است. دو ابدی بی‌پایان که حکایت مکررشان هنوز و پس از قرن‌ها بر سر زبان‌هاست. عاشقانی از مذاهب و حتی ادیان دیگر دارند و نه واژه و نه تصویر هنوز نتوانسته حق مطلب این عاشقانه را تمام و کمال ادا کند. برادری در دین اسلام تنها منحصر به برادری خونی نمی‌شود و یکی از اولین اقدامات پیامبر پس از هجرت انجام عقد اخوت بین مهاجران و انصار بود. برادری ایمانی که می‌توانست یکی از پیام‌های اصلی پیامبر و دین اسلام یعنی وحدت و اخوت را عملی کند. از پیامبر (ص) نقل شده است مؤمنان برادرند و خون‌بهای آنان یکسان و برابر است و همانند دست واحدی هستند که در برابر دشمن قرار می‌گیرند. همین تعبیر و قوت برادری ایمانی و دینی بود که در جنگ بدر و احد برادر در مقابل برادر و پسر در برابر پدر صف‌بندی کردند و به جنگ با یکدیگر پرداختند.

گردآوری: احسان قاسمی

۴۴



تولد ماه

چند سال بعد از شهادت حضرت فاطمه (س) بود که امیرالمؤمنین (ع) به برادرش عقیل ماموریت داد که همسری مناسب به او معرفی کند، آن هم به این دلیل که عقیل تسلط کاملی به نسب‌شناسی قبیله‌های عرب داشت. عقیل به خواستگاری فاطمه کلابیه دختر خزام بن خالد رفت و این ازدواج به سرانجام رسید. امیرالمؤمنین (ع) از این بانو که به ام‌البینین شهرت پیدا کرد، صاحب چهار پسر به نام‌های عباس، عثمان، جعفر و عبدالله شد. عباس در لغت، به معنای شیر بیشه است، شیری که شیران از او بگریزند. از کودکی انگار مشخص بود که قرار است در آینده او چه وظیفه دشواری به دوش داشته باشد، دورانی که روایت شده حضرت امیر درباره تکامل و پویایی فرزندش فرمود: ان ولدی العباس زق العلم زقا؛ همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به‌سان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می‌گیرد، از من معارف فراگرفت. از دوران زندگی ماه بنی هاشم، چهارده سال در کنار پدر گذشت و بلوغ در این مسیر شکل گرفت. در جنگ صفین، زمانی که سپاه معاویه راه آب را به روی امیرمؤمنان علیه السلام و سپاهش بسته بود، امام جمعی را به فرماندهی امام حسین علیه السلام برای باز کردن راه فرستاد که عباس علیه السلام هم در آن جمع حاضر بود و در رکاب برادرش می‌جنگید. هر چند امام علی (ع) اجازه نبرد مستقیم را به فرزندش نداد اما این مشق‌های او برای آینده بود.

عباس علیه السلام چند سال پس از شهادت پدرش، در هیجده سالگی با لبابه دختر عبدالله بن عباس ازدواج کرد. حاصل ازدواج عباس با لبابه، دو فرزند به نام‌های عبیدالله و فضل بود. در زمان شهادت امام حسن (ع) عباس ۲۴ ساله بود و تا حماسه کربلا در رکاب برادر دیگرش امام حسین (ع) باقی ماند.

روز عاشورا هنگامی که حضرت عباس (ع) از اسب بر روی زمین افتاد، امام حسین (ع) فرمودند: «الان انکسر ظهري و قلت حیاتی» یعنی (اکنون پشتم شکست و چاره‌ام کم شد). این جمله بیانگر اهمیت حضرت عباس (ع) و نقش او در پشتیبانی از امام حسین (ع) است. این جایگاه و نقش در نمونه‌ترین برادری تاریخی قابل بررسی است.

۴۵

ادب

برای پرورش یافته‌ی مکتب پدر قطعا این حدیث که: «لا میراث کالأدب» «هیچ ارثی ارزشمندتر از ادب نیست». به همین خاطر است که در طول ۳۴ سال عمر شریف، هیچ وقت برادر بزرگترش را به نام یا حتی برادر صدا نکرد و از تعبیرهایی مانند سیدی، مولای من، آقای من، یابن رسول الله، سرور من و ای پسر رسول خدا استفاده می‌کرد. روایت شده که عباس (ع) بدون اجازه کنار امام حسین (ع) نمی‌نشست و اگر در محضر ایشان می‌نشست دو زانو می‌نشست. تنها جایی که امامش را برادر صدا کرد در لحظه شهادت بود که فرمود: «برادر، برادرت را دریاب». آن هم وقتی که برادری‌اش را تمام و کمال به جا آورد.

۷۷

ایثار

ایثار در لغت یعنی مقدم داشتن دیگری بر خود. اوج آن هم زمانی بود که حضرت از میان چند هزار نگهبان فرات راه را باز کرد، خودش را به شریعه رساند و پیش از پر کردن مشک خواست مقداری آب بنوشد. صحنه‌ای که بعدها با یادآوری برادر از آن پشیمان شد و تشنه مشک را پر کرد. شهید مطهری در وصف این لحظه می‌نویسد: با دستش مقداری آب برداشت و آورد جلوی دهانش تا بنوشد. دیگران از دور ناظر بودند. آنها همین قدر گفته اند: ما دیدیم که ننوشید و آب را ریخت. یادش افتاد که برادرش تشنه است، گفت شایسته نیست حسین در خیمه تشنه باشد و من آب بنوشم. آب که هیچ او جانش را هم فدای مولایش کرد.

جهاد

از اولین حرکت‌های مجاهدانه حضرت جدا از در رکاب پدر بودن زمانی بود که امام حسن (ع) به شهادت رسید. در جریان دفن امام بود که مروان بن حکم قصد داشت تا مانع دفن امام در کنار پیامبر شود و عباس (ع) دست به قبضه شمشیر برد ولی امام حسین (ع) بنا به در نظر گرفتن مصالح دین و جامعه نو پای اسلامی از اقدام او جلوگیری کرد. حضرت ابوالفضل عباس (ع) از زمان تلاش یزید برای بیعت گرفتن در کنار برادر بود تا زمانی که به شهادت رسید و این یعنی جهاد عملی. وقتی امام حسین (ع) در لحظه شهادت برادرش عباس (ع) بر سر بالین ایشان حاضر گشت در حالی که بسیار گریه می‌کرد خطاب به ایشان فرمود: «جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا أَخِي لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» «ای برادر! خداوند پاداش نیک به تو دهد که به درستی در راه خدا، جهاد کامل نمودی.»

وفاداری

همانطور که خداوند در آیه ۱۷۷ سوره بقره می‌فرماید: «وَالْمُؤْفُونَ يَعْهَدُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ...» «و آنان که چون عهد ببنند، به عهد خود وفادارانند... و آنان همان پرهیزگارانند». وفاداری نشانه‌ای اهل ایمان و تقواست. نمود عینی این وفاداری در غروب روز تاسوعا قابل درک است زمانی که ابن ابی‌المحال یعنی پسر دایی حضرت عباس امان نامه ای برای ابوالفضل (ع) و برادرانش آورده بود، به اتفاق برادرانش امان نامه را رد نمود. شمر از اقوام دور مادری حضرت بود و برای او امان گرفته بود و در پاسخ به سخنان شمر که از آن حضرت خواسته بود امام حسین (ع) را ترک نمایند فرمود: «لعنت بر تو و بر امان نامه ی تو، آیا ما در امان باشیم و پسر رسول خدا در امان نباشد؟» در نقل دیگری در تاریخ طبری آمده است که حضرت فرمود: «امان خدا بهتر از امان پسر سمیه (عبدالله) است.» این اتفاق در شبی که امام حسین (ع) به یارانش فرصت رفتن یا ماندن داد و همچنین در آب ننوشیدن لب فرات به مرتبه‌ای اعلان نماد و نشانه‌ی وفاداری تا لحظه‌ی آخر است.

شهادت

همه‌ی اتفاقات پر فراز و نشیب زندگی کوتاه اما پر برکت حضرت ابوالفضل (ع) تکمیل نمی‌شد جز با شهادت. خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» «و آن کسی که در راه خدا کشته شده مرده نپندارید بلکه او زنده ابدی است ولیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت.» اما مرتبه و مقام حضرت در شهادت به گونه‌ای است که حضرت امام سجاد (ع) فرمود: «او در قیامت دارای مقامی خواهد بود که همه شهیدان از مقام او حسرت می‌برند.» امام سجاد (ع) وقتی روز ۱۳ محرم سال ۶۱، همراه پنی اسد کنار پیکر مطهر عمویش عباس آمد، تا ایشان را به خاک بسپارد فرمود: «وَعَلَيْكَ مَنِي السَّلام مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسَبٍ» ای شهید مخلص راه خدا، سلام من بر تو باد. او به همراهی سایر برادران و فرزندان در راه مراد و پیشوا و مولایش به آغوش شهادت رفت.

گردآوری: احسان قاسمی

میراث سردار همچنان در حال ثمر دادن است

یادگاری‌های سردار



سال ۹۴ رونمایی قاتل عین الاسد

در این سال هم دو موشک دید معرفی شدند. یکی موشک بالستیک عماد با برد ۱۷۰۰ کیلومتر با موتور سوخت مایع که سر جنگی آن دارای بالک‌های هدایت‌کننده برای دقت در اصابت به هدف است. و دیگری موشک فاتح ۳۱۳ از موشک‌های کلاس فاتح و اولین موشک ایرانی بود که به فناوری پیش‌ران با سوخت جامد مرکب مجهز شد. فناوری ای برای کم کردن تکانه‌های حاصل از احتراق موتور و در نتیجه افزایش دقت موشک در طی مسیر تا اصابت به هدف با بردی که به ۵۰۰ کیلومتر می‌رسید. فاتح ۳۱۳ همان موشکی است که سال گذشته و در جریان حمله تلافی‌جویانه سپاه به پایگاه آمریکایی عین الاسد به کار گرفته شد و دقت و توانایی خود را ثابت کرد.

سال ۹۳ رونمایی دو هرمز

دو موشک هرمز ۱ و ۲ در این سال و در جریان بازدید فرمانده معظم کل قوا از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه، رونمایی شدند. موشک‌هایی از نوع بالستیک تک مرحله‌ای با سر جنگی جدا شونده با هدایت‌پذیری تا مرحله اصابت به هدف که همچنین با تجهیز به جست‌وجوگر امواج راداری، توانایی حمله به سایت‌های راداری و ناوهای هواپیمابر دشمن را دارد. موشک‌های هرمز ۱ و ۲ از موتور سوخت جامد بهره‌می‌برند که برد آنها را به ۳۰۰ کیلومتر می‌رساند.



سال ۹۵ ذوالفقاری برای داعش

در این سال موشک ذوالفقار با برد ۷۰۰ کیلومتر رونمایی شد که از سوخت جامد بهره‌می‌برد و توانسته بود برد فاتح را ۲۰۰ کیلومتر افزایش دهد. موشکی که سال بعد و در جریان عملیات لب‌القدر، مواضع گروهک تروریستی داعش در شرق فرات و در استان دیرالزور سوریه را در هم کوبید.

سال ۹۶ حماسه خرمشهر

خرمشهر نام پر افتخار دفاع مقدس این افتخار را داد که در جریان رژه نیروهای مسلح در هفته دفاع مقدس جدیدترین موشک ۲۰۰۰ کیلومتری کشور با این نام رونمایی شود. موشکی با توان حمل سر جنگی ۱۸۰۰ کیلوگرمی و حمل همزمان چند کلاهک که در واقع قوی‌ترین موشک با سوخت مایع کشور نیز به شمار می‌آید.





میراث

پاییز سال ۹۰ بود که خبر شهادت سردار حسین طهرانی مقدم منتشر شد. خیلی‌ها تا پیش از آن نام سردار را نشنیده بودند و کمتر کسی خبر داشت که او از سال ۶۳ به مدت ۲۸ سال مسئول سازمان جهاد کودکفایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده که کار خودش را با یک یگان موشکی کوچک آغاز کرده تا در نهایت به پس از سه دهه به عنوان پدر صنعت موشکی کشور شناخته شود.

۲۱ آبان ۹ سال پیش بود که سردار طهرانی مقدم همراه با ۱۶ نفر از همکارانش در پادگان مدرس ملارد بر اثر انفجار به شهادت رسیدند. پس از شهادت سردار این نگرانی وجود داشت که دستاوردهای صنعت موشکی کشور با اخلال مواجه شود اما سنگ بنایی که شهید طهرانی مقدم نهاده بود چنان مستحکم بود که در سال‌های جاری به دستاوردهای عظیمی منجر شده که حتی باعث شگفتی و هراس دشمنان کشورمان شده است. با هم و در ادامه گام به گام مراحل پیشرفت صنایع موشکی و هوا فضای کشور را به شکل گام به گام و سال به سال مرور خواهیم کرد. افتخارات و دستاوردهایی که میراث حسین طهرانی مقدم و یارانش به شمار می‌آیند.

گردآوری: ایلیا حسینی

سال ۹۸ غرش رعد

دستاوردهای این سال در واقع طلوع و ورود سپاه به جمع دارندگان نوع خاصی از فناوری بود. بهمن ماه سال ۹۸ نیروی هوافضای سپاه از موشک رعد ۵۰۰ و موتور فضایی سلمان رونمایی کرد که تحولی تازه در حوزه طراحی و ساخت موشک و موتورهای سوخت جامد ایجاد کردند. رعد ۵۰۰ از سری کلاس فاتح است با این تفاوت که بدنه آن به جای فولاد از الیاف کربن ساخته شده و این تغییر وزن موشک را به نصف وزن سایر موشک‌های هم رده مانند فاتح ۱۱۰ رساند. این کاهش وزن برد موشک را از ۳۰۰ کیلومتر به ۵۰۰ کیلومتر رساند. موتور فضایی سوخت جامد سلمان هم سپاه را به جمع ۵ کشور دارنده فناوری طراحی چنین موشک‌هایی وارد کرد. اولین موتور سوخت جامد ایرانی با بدنه کامپوزیتی الیاف کربن و نازل متحرک است که امکان تغییر بردارانش را به موشک می‌دهد. موتوری برای هدایت موشک‌های ماهواره‌بر به خارج از جو که در اولین مأموریت اولین ماهواره سپاه را در مدار ۴۳۰ کیلومتری قرار داد.

سال ۹۷ سال فاتحان مبین

سال ۹۷ یکی از سال‌های پرکار صنایع موشکی کشور بود. اولین دستاورد، رونمایی از موشک فاتح مبین در روز صنعت دفاعی بود. فاتح مبین موشکی تاکتیکی با سوخت جامد و از کلاس فاتح است که با بردی معادل ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر علاوه بر مأموریت زمین به زمین می‌تواند در نقش یک موشک بالستیک دریایی نیز ظاهر شود. صنعت موشکی کشور در این سال تغییراتی روی موشک خرمشهر اعمال کرد که در نمایشگاه دستاوردهای دفاعی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی تصاویر تست آن به نمایش در آمد. در نسل جدید کلاهی جدید و مشابه کلاهی موشک عماد جایگزین کلاهی قبلی شد تا سر جنگی موشک هدایت پذیر و با دقت بیشتر شود. در همین سال نام یکی دیگر از شهرهای مقاوم دفاع مقدس بر روی یک موشک جدید گذاشته شد؛ موشک دزفول. دزفول موشکی ۱۰۰۰ کیلومتری از خانواده کلاس فاتح با سوخت جامد است که توسط نیروی هوافضای سپاه طراحی و تولید شده است. در زمان رونمایی از این موشک برای نخستین مرتبه کارخانه زیرزمینی تولید موشک‌های سپاه نیز رونمایی شد که نشان از دستیابی سپاه به زنجیره کامل طراحی و تولید موشک‌های بالستیک داشت.

سال ۹۹ سال ماهواره‌ها

اردیبهشت ماه سال ۹۹ نیروی هوافضای سپاه نخستین ماهواره خود با نام نور را توسط ماهواره‌بر قاصد با موفقیت به فضا پرتاب کرد. ماهواره‌ای طراحی شده توسط سپاه برای ارسال سیگنال و تصویربرداری ماهواره‌ای با عمر یکسال که همچنان در مدار ۴۳۰ کیلومتری در گردش است. نور تنها دستاورد فضایی سپاه نبود و پس از آن ماهواره‌بر قاصد رونمایی شد. یک ماهواره‌بر سه مرحله‌ای که در مرحله اول از موتور سوخت مایع استفاده می‌کند و در مرحله بعدی موتور سوخت جامد دارد. استفاده از موتور فضایی سلمان در مرحله دوم این ماهواره‌بر موجب شد قاصد بتواند با موفقیت ماهواره نور را در مدار مورد نظر قرار دهد. تابستان ۹۹ یک تابستان داغ موشکی بود. سپاه در جریان رزمایش پیامبر اعظم ۱۴ سپاه برای نخستین مرتبه در جهان از یک فناوری خاص در حوزه شلیک موشک پرده‌برداری کرد، مزرعه موشکی نام این دستاورد جدید سپاه بود، در این مزرعه موشکی لانچرهای پرتاب موشک در زیر زمین مدفون شده‌اند و موشک را از زیر زمین به سمت هدف مورد نظر شلیک می‌کنند. این فناوری نام ایران را به عنوان اولین دارنده شلیک موشک از دل زمین در دنیا ثبت کرد. ۳۱ مرداد سال ۹۹ نیز موشک بالستیک ۱۴۰۰ کیلومتری مزین به نام سردار سلیمانی یعنی موشک حاج قاسم رونمایی شد. این موشک که جدیدترین عضو خانواده موشک‌های کلاس فاتح است یک موشک سوخت جامد با کلاهی هدایت پذیر تا لحظه اصابت به هدف است. دوربردترین موشک بالستیک تاکتیکی جهان که می‌توان برد آن را تا ۱۷۰۰ کیلومتر نیز افزایش داد.

آخرین دستاورد امسال تا این لحظه هم تیربار موشکی نام دارد که تا به حال در دنیا سابقه نداشته است. چند سکوی پرتاب متصل به هم روی یک ریل که در شهرهای موشکی زیرزمینی استفاده می‌شود.

کدخدای دیروز شیر بی یال و کوپال امروز

در سراسیمگی افول



امروز

عمده تاریخی که به خورد ما می‌دهند در واقع آغشته به تقلب یا وارونه‌نمایی یا نگفتن تمام حقیقت است. به عنوان مثال همه‌ی ما آموخته‌ایم که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ قاره آمریکا را کشف کرده است. اما کسی نمی‌پرسد که هزاران ساکن بومی و قدیمی چند هزار ساله این قاره چه نیازی به کشف مجدد داشتند. کریستف کلمب در جستجوی هندوستان راه گم کرد و پا به سرزمینی گذاشت که آن را آمریکا نام گذاشتند.

نماد غرب که تاریخی پر فراز و نشیب داشته در یک قرن گذشته نقش اساسی در بحران‌های دنیا از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال داشته، از ویتنام تا پاناما و از ایران تا آفریقا، جنگ‌ها، کودتاها، دخالت‌ها و چنگ‌اندازی به منافع ملی و داخلی تمام کشورها باعث شد تا آمریکا به عنوان نماد غرب شناخته شود و ابهت او بدون خدشه و همیشگی در ذهن بسیاری شکل بگیرد. غربزدگی به عنوان واردگی در مقابل این قدرت در ادبیات نیم قرن اخیر ما شناخته می‌شود تا جایی که جلال آل‌احمد در کتاب معروفش به عنوان غربزدگی می‌گوید: «غرب زده انسان پا در هوایی است که نه رابط‌های با گذشت زمان دارد و نه درکی از آینده. غرب زده هرهری مذهب است و به هیچ چیز اعتقاد ندارد. نان به نرخ روز خور و راحت طلب و بیشخصیت و بیتخصص و قرتی و... است.»

پیش‌بینی آینده و تحلیل آنچه در حال وقوع است کار آسانی نیست. سخنان متعدد مقام معظم رهبری در سال‌های گذشته در مورد افول آمریکا اغلب با ناباوری توسط تحلیلگران شنیده می‌شدند و کسی باور نمی‌کرد که ابرقدرتی به نام آمریکا در سراسیمگی سقوط قرار داشته باشد. عمده تحلیل‌های رهبری در خصوص افول آمریکا مربوط به دهه حاضر است به گونه‌ای که در سال ۹۶ در ۱۷ سخنرانی و در سال ۹۷ در ۲۱ سخنرانی مستقیماً به این موضوع اشاره کرده‌اند.

اولین مناظره انتخاباتی ۲۰۲۰ آمریکا بین دونالد ترامپ و جو بایدن به شدت نشان دهنده شکاف عمیق جامعه آمریکایی بود. در حالی که مناظره‌های انتخاباتی نامزدها

تا پیش از این بیشتر بر مبنای مسائل اقتصادی و سیاسی بود و از مالیات تا روابط خارجی را در بر می‌گرفت اما مناظره امسال حداقل در اولین مناظره بیشتر بر پایه توهین و تحقیر و اتهام بود.

مجری مناظره مجبور بود بارها میان حرف دو رقیب درخواست رعایت مقررات کند و مجری چند بار از نامزدها و بطور مشخص از ترامپ خواست که سخنان رقیبش را قطع نکند و گفت: «اگر می‌خواهید به مردم کشورتان کمک کنید، لطفاً سخنان یکدیگر را قطع نکنید و وسط حرف دیگری نپرید.»

براساس گزارش شبکه سی بی اس، در طول این مناظره ۹۰ دقیقه‌ای، ترامپ ۷۳ بار «حرف‌های بایدن را قطع کرد. بایدن به دلیل قطع مکرر حرف‌هایش از سوی ترامپ، برای نخستین بار مجبور شد که از لفظ «ساکت شو» خطاب به ترامپ استفاده کند.

مجری سی ان ان بلافاصله بعد از پایان مناظره گفت: این پر هرج و مرج ترین مناظره تاریخ انتخابات آمریکا بود. مناظره سراسر قطع شدن حرف‌های بایدن از سوی ترامپ بود و حملات ترامپ به پسر جو بایدن.

پس لرزه‌های مناظره و نتایج انتخابات آمریکا می‌تواند در آینده نزدیک احساس شود، اتفاقاتی که در پیش خواهد بود و بارزترین نمونه آن برتری اقتصادی چین بر آمریکا در سال ۲۰۲۰ بود که برای اولین بار سیطره اقتصادی آمریکا را زیر سوال بود. خروج آمریکا از افغانستان، عراق، سوریه و ... نشانه‌های بحران نظامی در این قدرت به ظاهر اول دنیا بوده و در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز نشانه‌های دو قطبی شدن و تقابل اندیشه‌های مختلف آمریکایی از جنبش وال‌استریت و پس از آن اعتراضات سیاه‌پوستان تا به امروز روز به روز شدیدتر می‌شود.

افول آمریکا

قدرت استکباری آمریکا، قدرت فتنه‌انگیزی و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف بمراتب تنزل کرده‌اند و پایین رفته‌اند؛ ما این را در محاسبات خودمان باید لحاظ کنیم. اینکه در وضع سیاسی آمریکا یا در وضع اجتماعی و اقتصادی آمریکا چه اتفاقاتی افتاده و دارد می‌افتد، باید در محاسبات ما وارد بشود. این را باز بعضی از خود آمریکایی‌ها گفته‌اند، بعضی‌ها می‌گویند «افول موربانه‌وار»؛ که این را [یک] نویسنده‌ی آمریکایی می‌گوید. در مورد افول اقتدار آمریکایی می‌گوید «افول موربانه‌وار»؛ یعنی مثل موربانه از درون دارد پوک میشود - خود نهادهای درون آمریکا این را می‌گویند - هم در عرصه‌ی اقتصادی این جور است، هم در عرصه‌ی اجتماعی این جور است، هم در عرصه‌ی سیاسی این جور است. آمارهای واضحی وجود دارد در مورد وضع اقتدار اقتصادی آمریکا و تأثیر آمریکا در اقتصاد جهانی که در طول این چندین دهه به شکل عجیبی سقوط کرده که حالا آمارهایش هست، یادداشتش را هم من دارم منتهای حالا جزئیات یادداشت‌ها را لزومی ندارد که عرض بکنم. در بخش سیاسی هم اقتدار آمریکا افول کرده. برادران و خواهران عزیز! این را من به شما عرض میکنم: افول سیاسی آمریکا اگر یک دلیل - که حالا می‌گویم - بیشتر نداشته باشد کافی است. و آن دلیل عبارت است از انتخاب فردی با مختصات آقای دونالد ترامپ در آمریکا. خود این انتخاب، نشانه‌ی افول سیاسی آمریکا است؛ سرنوشت سیصد و اندی میلیون جمعیت دست یک آدمی با این مختصات، نشانه‌ی افول سیاسی آمریکا است. کسی که در خود آمریکا نسبت به تعادل روانی او، تعادل فکری او، تعادل اخلاقی او این همه حرف هست، وقتی رئیس یک کشوری میشود، نشان‌دهنده‌ی افول آن کشور است؛ افول سیاسی، افول اخلاقی. از جنایتها و آدمکشی‌های رژیم صهیونیستی اینها به طور مرتب حمایت کردند و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه‌ی چند دولت در یمن و کشتار مردم بی‌گناه یمن اینها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت میکنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟

۱۴/۰۳/۱۳۹۸

بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)

غلبه بر آمریکا، با اتکاء ما به اراده الهی

گزینۀ قطعی ملت ایران مقاومت در مقابل آمریکا است و در این رویارویی، در این مقاومت، او وادار خواهد شد به عقب‌نشینی. و بحث مقاومت هم بحث برخورد نظامی نیست؛ این که حالا بعضی هم مسئله‌ی جنگ را در روزنامه و در فضای مجازی و مانند اینها مطرح میکنند حرف بیخودی است. جنگی بنا نیست انجام بگیرد و به توفیق الهی انجام هم نخواهد گرفت. نه ما دنبال جنگیم، آنها هم به صرفه‌شان نیست که دنبال جنگ باشند و میدانند که به صرفه‌شان نیست. ما هم که خب اهل ابتدا به کار نظامی نیستیم - هیچ وقت نبودیم، الان هم نیستیم - این برخورد، برخورد اراده‌ها است؛ این رویارویی، رویارویی اراده‌ها است؛ و اراده‌ی ما از آنها قوی‌تر است. ما علاوه بر اراده‌ی قوی، توکل به خدا را هم داریم. ذلک بان الله مولى الذین آمنوا و انّ الکافرین لا مولى لهم؛ (۱) آنها مولا ندارند؛ ما متکی به اراده‌ی الهی هستیم. بنابراین ان شاء الله آینده، آینده‌ی خوبی است و سختی‌ها هم آن چنان که بعضی‌ها تصویر میکنند و توصیف میکنند، نیست و نخواهد بود. ان شاء الله دولت خودمان، مسئولین کشور با همت، با قدرت، با اراده‌ی قوی، با مدیریتهای و - همین طور که اشاره کردند - با تدبیرهای نو و تازه به مواجهه‌ی با حوادث خواهند رفت و پیروز خواهند شد.

۲۴/۰۲/۱۳۹۸

بیانات در دیدار مسئولان نظام

افول آمریکا در سخنان رهبر

اینهایی که دشمنان ما هستند و مقابل ما هستند، خودشان هم اعتراف میکنند که رو به ضعفند و با وجود این، خوی استکباری را هم فراموش نمیکنند؛ یعنی همان روحیه‌ی استکباری که در طول این دو سه قرن اخیر، سه چهار قرن اخیر یاد گرفته‌اند که با دنیا و با همه از موضع بالا همیشه حرف بزنند، این را باز هم دارند و با همه‌ی این فضاچتها و عقب‌ماندگی‌ها، این روحیه‌ی استکباری را از دست نداده‌اند؛ لکن واقعش این است که از جهات مختلفی دچار افولند که خودشان می‌گویند.

۰۴/۰۷/۱۳۹۸

گزیده‌ای از بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری



مادر شهید
شاهین باقری

بررسی نقش مادر

در شکل‌گیری روحیه فداکاری در جوانان

گردآورنده: ندا چهاردولی

اندیشمندان مسلمان با تکیه بر احادیث و روایات چنین گفته است: «مادر در ایام حمل، اگر از ذکر خدا، شرکت در مجالس الهی، خواندن قرآن، توجه به واجبات و حفظ آرامش غفلت نرورد، در روان و مغز کودک و رشد روحی و معنوی او اثر به سزایی دارد.

داستان و قصه‌گویی یکی از مناسب‌ترین روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است. زیرا کودکان شیفته‌ی شنیدن قصه و خواندن داستان می‌باشند. مادر می‌تواند برای فرزند خود داستان‌ها و قصه‌هایی را بخواند که مفاهیم جبهه و دفاع مقدس را داشته باشد. روش دیگری که مادر از طریق آن می‌تواند این فرهنگ را به فرزند خود منتقل کند، روش نمایشی است. روش نمایشی یکی از روش‌های آموزشی است که دارای تاثیر فوق العاده‌ای می‌باشد و از راه آن می‌توان این مفاهیم را در قالب‌های قابل مشاهده و به گونه‌ای روشن و آسان به فرزندان آموزش داد. روش نمایشی موجب میشود کودکان مطالب را بهتر درک کنند و یادگیری عمیق‌تر صورت پذیرد معمولاً کودکان نمایشی را که در کودکی دیده‌اند، به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه تا آخر عمر در حافظه خود حفظ و نگهداری می‌کنند. با توجه به مطالب فوق مادر در این مرحله می‌تواند فرزند خود را در مراسم سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام، در تعزیه‌ها شرکت دهد و برای او فیلم‌ها، کارتون‌ها، انیمیشن‌ها و برنامه‌های تلویزیونی با مضامین دفاع مقدس را تهیه کند که جذابیت آنها برای خردسالان بالاست.

یکی دیگر از نکاتی که مادر باید به آن توجه داشته باشد کتابهایی است که فرزندش مطالعه می‌کند. کتاب خوب در روح خواننده عمیقاً تاثیر می‌گذارد. روح و نفس انسان را تکامل می‌بخشد و شخصیت انسانی او را بالا می‌برد. بر دانش او می‌افزاید و اطلاعاتش را بیشتر می‌نماید. نقائص اخلاقی و اجتماعی را برطرف می‌سازد. تاثیری که خواندن یک کتاب ممکن است در روح شخص بگذارد از تاثیرات دیگر عمیق‌تر و ریشه‌دارتر می‌باشد و گاهی شخصیت او را دگرگون می‌سازد.

ایشان و از خود گذشتگی و شهادت طلبی عمری به درازای عمر بشر دارد و کم و بیش در همه جوامع بشری و به اشکال مختلف تجلی یافته است. زنان در مقوله ایثار و شهادت چه در دوران جنگ و چه بعد از آن نقش مهمی داشته‌اند. زنان علاوه بر این که فرزندان، همسران، برادران و پدران خود را به مشارکت در دفاع مقدس تشویق می‌کردند، و این تشویق‌ها در استقبال مردان برای حضور بیشتر در جبهه‌ها بسیار مؤثر واقع می‌شد، پس از شنیدن خبر شهادت بستگان و عزیزان خود، شکیبایی و بردباری کم نظیری را به نمایش گذاشتند که آن هم در تقویت روحیه رزمندگان به ادامه مردانه جنگ کمک فراوانی کرد. مواردی از روحیات قوی زنان را میتوان در کلام امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری به وضوح دید: «درعین حالی که مادران، جوانان‌شان در جبهه شهید شده‌اند با کمال خوشرویی، افتخار می‌کنند به این که جوان آن‌ها در راه اسلام شهید شده است و باز هم پیشنهاد می‌کنند که جوانان دیگر هم داریم و به اسلام تقدیم می‌کنیم.»

جاری شدن فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، ابتدا باید در جامعه کوچک خانه باشد و بی‌شک مدیر اصلی در این جامعه، مادر خانه است. خانه، جامعه اول محسوب می‌شود و فرایند جامعه‌پذیری از آن شروع می‌شود. در این فرآیند مادر نقش مهمی دارد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «از دامن زن است که مرد به معراج می‌رود.» هرچند کار اصلی انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به فرزندان پس از تولد به ویژه هنگامی که آنان توان عقلی کافی برای دریافت این مفاهیم را دارا شدند آغاز می‌شود، ولی مسئولیت مادر پیش از آن حتی پیش از دوران جنینی کودک -یعنی زمان انعقاد نطفه- شروع می‌شود. امروزه بر کمتر کسی پوشیده است که دوران جنینی علاوه بر اینکه دوران تکامل جسمی و ایام شکل‌گیری اعضا و جوارح اوست، دوران دریافت پیام‌های تربیتی و تاثیرپذیری اخلاقی و روانی او نیز می‌باشد.

وظیفه مادر برای پرورش نسلی پاک، آماده‌ی شهادت و فداکاری در راه حق، مراقبت‌های حساب شده‌ی دوران جنینی فرزند و فراهم ساختن زمینه رشد سالم و کامل او در این برهه‌ی حساس و سرنوشت‌ساز است. به همین دلیل یکی از



مهران، جلوه مقاومت و پایداری

مهران چگونه تحت تصرف رژیم بعث قرار گرفت؟

رزمندگان ایرانی در عملیاتی با عنوان والفجر ۸ توانستند فاو را به تصرف خود دریاورند و دست رژیم بعث را از شمال خلیج فارس کوتاه کنند. رژیم بعث عراق از اینکه نتوانسته بود فاو را از دست ایران باز پس گیرد شروع به حملات گسترده در منطقه غرب ایران کرد تا در نهایت توانست مهران را به تصرف خود درآورد. بعثی‌ها از تصرف مهران بسیار خوشحال بودند و در این میان صدام اعلام کرد که مهران مهریه فاو است و تا زمان حضور ایران در فاو، آنها هم در مهران خواهند ماند. صدام برای آزادسازی شهر مهران دو شرط اعلام کرد یکی اینکه هر دو کشور ایران و عراق به مرزهای بین‌المللی خود بازگردند و دیگری اینکه عقب‌نشینی از خاک مهران به شرط عقب‌نشینی از خاک فاو صورت می‌گیرد.

گردآورنده: پریسا عزیزاده

مهران شهری مرزی در استان ایلام است. نام قدیمی این شهر منصورآباد بوده و در سال ۱۳۰۹ نامش به مهران تغییر یافته است. شهر مهران موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای دارد و در جلگه بین‌النهرین قرار گرفته است؛ به همین دلیل در دوره‌های گوناگون مورد تجاوز قرار گرفته و نبردهای بسیاری در آن رخ داده است. اگرچه جنگ تحمیلی ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ آغاز شد، ولی این شهر قبل از شروع جنگ تحمیلی نیز مورد تهاجم حکومت بعث قرار گرفته بود. مهران به عنوان نمونه‌ای از مقاومت و پایداری در طول دفاع مقدس ۴۵ روز در تصرف عراق بود و سپس توسط رزمندگان دلیر اسلام آزاد شد.





عملیات والفجر ۳:

این عملیات در ۷ مرداد ماه سال ۱۳۶۲ با فرماندهی سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش انجام شد. در ساعت ۱۱ شب با اقدام نیروهای ایرانی آغاز گردید. و به مدت ۱۴ روز طول کشید. در طول این عملیات شهر مهران دو بار میان کشورهای طرف جنگ دست به دست شد تا در نهایت منجر به آزادسازی دشت مهران از تصرف عراق شد.

دستاوردهای عملیات والفجر ۳

۱- آزادسازی جاده ایلام - مهران، ایلام - دهلران

۲- آزادسازی دو ارتفاع زالآب و نمه کلان بو.

۳- آزاد کردن دشت مهران

۴- بیش از ده هزار نفر از نیروهای عراقی کشته و زخمی شدند و ۵۰۹ عراقی اسیر شدند.

۵- شش فروند هلیکوپتر سقوط کرد و ۲۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۳۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین و ۴۰ انبار مهمات منهدم گردید

دستاوردهای عملیات کربلای ۱

عملیات کربلای ۱ در پنج مرحله برنامه ریزی شده بود که خوشبختانه رزمندگان ایرانی توانستند در مرحله اول و دوم عملیات و پس از ۴۵ روز، مهران و ۱۷۵ کیلومتر از اراضی اشغالی را آزاد کنند. همچنین توانستند شهرهای بدره و زرباطیه عراق را تصرف کنند.

عملیات آزادسازی مهران، کربلای ۱، با حضور نیروی زمینی سپاه پاسداران، توپخانه ارتش و هوانیروز ارتش و با رمز «یا ابوالفضل العباس ادرکنی» در شب نهم تیر ماه سال ۱۳۶۵ آغاز شد.

عملیات کربلای ۱ شامل ۳۹ گردان از نیروهای عمل کننده زرهی و رزمی و مهندسی سپاه پاسداران برخوردار بود.
دستاوردهای دیگر عملیات آزادسازی شهر مهران:

- ۱- انهدام تیپ ۳ و ۴ و ۵ گارد ریاست جمهوری کشور عراق
- ۲- انهدام تیپ ۴۳۳ از لشکر هفده و انهدام یک تیپ کماندویی ویژه
- ۳- انهدام تیپ های ۷۰ زرهی، ۵۰۱، ۵۹، ۹۵ و ۲۴ مکانیزه از لشکر ۱۰
- ۴- انهدام تیپ های ۵۰۷، ۶۶ کماندویی، ۳۵، ۹۳، ۱۱۳، ۷۱ و ۷۲ از لشکر ۳۵
- ۵- انهدام دو گروهان پیاده کشور عراق بین پنجاه تا صد درصد.
- ۶- انهدام گردان های ۲۲۸، ۵۳، و ۴۴۷ توپخانه همچنین انهدام گردان ششم زرهی.

مهران نمونه ای از این خاک سرخ است که در برابر تجاوز دشمن تا آخرین لحظات پایداری کرد. رزمندگان غیور ایران از وجب به وجب این خاک مانند ناموس خود دفاع کردند و نگذاشتند دست دشمن بیفتد.





گردآوری: حامد معز



راهکارهایی جهت ایده‌پردازی و انتخاب مسیر درست

۱) طوفان فکری Brain Storming

در طوفان یا بارش فکری به کار گروهی در تولید ایده، تاکید می‌گردد. در این روش موضوع مد نظر را از مدتی قبل به اطلاع همه می‌رسانند. جلسه‌ای تشکیل می‌شود و هر فرد ایده‌ی خود را آزادانه ارائه می‌کند تا جایی که دیگر ایده‌ای باقی نماند. کلیه‌ی ایده‌ها ثبت شده و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شود. قواعد این روش را نباید فراموش کرد: از ایده‌های نامعمول استقبال کنید: اگر همچنان در چهارچوب معمول خود حرکت کنید مسیر جدید را پیدا نمی‌کنید.

از مسخره کردن افراد بپرهیزید: اگر ایده‌های افراد مورد هجوم قرار گیرند دیگر ایده‌های بکر و خلاقانه جرأت ظهور نمی‌یابند.

به کمیت بیشتر از کیفیت اهمیت دهید: هرچه ایده‌ها بیشتر باشد احتمال دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب بیشتر خواهد بود. ایده‌ها را جدا از هم ننگرید: ترکیب کردن دو یا چند ایده می‌تواند یک طرح کامل‌تر و بهتر بسازد.

ایده‌پردازی فرآیندی است که در آن سبک و راهکارهای جدیدی جهت انجام فعالیت‌ها و خدمات خلق می‌شود. جرقه‌ی ایده‌ها معمولاً در شرایط کمبود و نیاز زده می‌شود اما با این حال ذهنی که بیش از حد درگیر محدودیت‌ها و روزمرگی‌ها باشد، کمتر ایده‌پردازی می‌کند. ایده‌پردازی از مهم‌ترین مهارت‌های کسب و کار است که موجب برتری شما نسبت به سایر کسب و کارهای مشابه می‌شود. اما آیا روشی برای ایده‌پردازی وجود دارد؟

انواع تکنیک‌های ایده‌پردازی

روش‌های بسیاری برای ایده‌پردازی وجود دارد. گسترش معاشرت‌های اجتماعی، سفر رفتن، گوش دادن به موسیقی، بال و پر دادن به ذهن برای رویا پردازی، یادداشت کردن ایده‌ها و لیست سازی از آنها، متفاوت بودن... از تکنیک‌هایی است که ذهن را برای خلق ایده‌های نو آماده می‌کند. اما روش‌های خلاقانه‌ی دیگری هم وجود دارد که دستیابی به بهترین ایده را تسهیل می‌کند.





۲) اسکمپر SCAMPER

اسکمپر به سادگی شما را در انتخاب مسیر درست برای رسیدن به هدف‌تان یاری می‌کند. موضوع مورد نظر‌تان را انتخاب کنید و از زوایای مختلف آن را مورد پرسش قرار دهید. این ابعاد شامل موارد زیر می‌باشد:

Substitute (جایگزینی)

تکنیک جایگزین روی قسمت‌های موجود در محصول، خدمات یا راه حل متمرکز شده است که می‌تواند با دیگری جایگزین شود. در این بخش از بحث، شرکت کنندگان در جلسه روی تصمیم‌گیری برای جایگزینی بخشی از فرآیند با بخش دیگر تمرکز می‌کنند.

Combine (ترکیب)

امکان ادغام دو ایده، مرحله فرآیند یا ساخت محصول را در یک بازده کارآمدتر تجزیه و تحلیل می‌کند. ترکیب دو ایده نوآورانه می‌تواند منجر به تولید محصول یا فناوری جدید شود، ادغام فن آوری تلفن با دوربین دیجیتال، محصول انقلابی جدیدی را در صنعت ارتباطات ایجاد کرد.

Adapt (تطبیق دادن)

هدف آن تنظیم یا ترکیب محصول یا خدمات برای تولید بهتر است. بدان معنی که هدف از سازگاری، اصلاح یا بهبود محصولات، خدمات یا فرآیند برای دستیابی به خروجی بهتر است. اصلاح شامل تغییرات کوچک یا اساسی در کل پروژه است.

Modify (اصلاح)

تغییر روند به روشی که قابلیت‌های ابتکاری بیشتری را ایجاد می‌کند یا مشکلات را برطرف می‌کند. این تغییر بیشتر از تنظیماتی است که بر روند کلی متمرکز است. به عنوان مثال، می‌تواند روند پروژه را کاهش دهد یا دیدگاه ما را در مورد چگونه نگاه کردن به مشکل را تغییر دهد.

PUT To Another Use (کاربرد دیگر)

چگونگی قرار دادن محصول یا فرآیند فعلی یا چگونگی استفاده از محصول موجود برای حل مشکلات است. به عنوان مثال، از این روش می‌توان برای یادگیری نحوه تغییر یک محصول موجود به یک بخش دیگر از بازار یا تغییر نوع کاربری استفاده کرد.

Eliminate (حذف)

با هدف شناسایی بخش‌هایی از فرآیندی است که می‌تواند برای بهبود محصول یا خدمات فرآیند از بین بروند. همچنین به کشف قسمت‌های غیر ضروری پروژه کمک می‌کند.

Reverse (وارونه کردن)

تکنیک معکوس یا تنظیم مجدد با هدف کشف پتانسیل نوآورانه هنگام تغییر ترتیب روند در خط تولید، انجام می‌شود. معکوس کردن فرآیند یا بخشی از آن می‌تواند به حل مشکلات یا تولید محصول خلاقانه‌تر کمک کند.

می‌توانید این ۷ بخش را در مورد منابع، مواد اولیه، فرایند، استعدادها، تکنولوژی، روش ساخت، اهداف، کاربرد و ارائه محصولات یا خدمات به بحث بگذارید و به نتایج مطلوبی دست یابید.

۳) استوری بورد Storyboard

اگر ایده‌هایتان را انتخاب کردید، زمان آن رسیده که آن‌ها را مرتب کرده و ارائه دهید. در این روش باید جزئیات و مراحل هر ایده را روی کارتی ترسیم کرده و همه‌ی کارت‌ها را روی یک پنل به نمایش بگذارید. مراحل را به خوبی توصیف کنید و روابط بین آن‌ها را مشخص کنید.

در پایان

اگر هدف‌تان ورود به بازار کار است، فراموش نکنید که داشتن ایده‌های فراوان به معنای موفقیت در آن نیست. عملی کردن ایده‌ها نیازمند انتخاب اصولی موضوع کسب‌وکار خود با توجه به پشتوانه، امکانات و توانمندی‌هاست. یکی از این داشته‌ها، تیم مناسب و سرمایه انسانی ارزشمند است که می‌تواند حتی ایده‌های ساده را هم به نتایج فوق‌العاده‌ای برساند. در این صورت موفق به کسب نتایج مطلوب خواهید شد.



نکته مفید

جهت آرامش روح و روان

۳ حس لامسه یکی دیگر از حس‌هایی است که برای آرام شدن به کمکمان می‌آید. هنگام احساس استرس و اضطراب کافیست با آب خنک دست‌ها و مخصوصاً مچ دست‌های خود را شستشو دهید. و دست خیس خود را پشت لاله گوش‌های خود بکشید. با خنک کردن این دو قسمت از بدن، در کل بدنتان احساس خنکی و آرامش خواهید کرد.

۴ قرآن بخوانید. تلاوت قرآن صحبت و مناجات با خداوند عالم است. انسان وقتی با خدای خود صحبت می‌کند، مشکلات خود را در برابر عظمت پروردگار عالم ناچیز می‌بیند. در لحظات استرس و نگرانی خواندن دعاها و سوره‌هایی از متن قرآن می‌تواند یک داروی سریع‌التأثیر باشد. مانند آیت‌الکرسی.

۵ شاید برایتان عجیب باشد ولی بو کردن چیزهای خوب می‌تواند حس آرامش را به انسان القا کند. به طور مثال بوییدن وانیل در افراد مبتلا به استرس تأثیرات مثبتی داشته است. وانیل یکی از گیاهان دارویی بسیار خوشبو در کل جهان است.

۱ بر اساس گفته‌های امامان معصوم یاد خدا همیشه آرامش‌بخش دلها بوده و هست. اگر ما همه امور را به خداوند بزرگ بسپاریم و تنها به او توکل کنیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود یا در بدترین حالت تحمل مشکلات برایمان آسان می‌گردد. پیوسته به یاد خدا بودن حلال مشکلات و تسکین‌آلام انسان است. در کنار یاد خدا می‌توانیم کارهایی را انجام دهیم که به آرامش دست پیدا کنیم و روح و روانمان را آرام کنیم.

۲ دمنوش و نوشیدنی‌هایی وجود دارند که باعث کم شدن استرس و احساس آرامش می‌شوند. چای سبز یکی از این نوشیدنی‌هاست. چای سبز به دلیل داشتن ماده‌ای به نام «لیتین» در ترکیباتش، آرامش و کاهش خشم را به دنبال دارد. دمنوش بابونه نیز به دلیل داشتن خاصیت معکوس کردن هورمون کورتیزول می‌تواند بدن را به آرامش برساند. همچنین شیر گرم می‌تواند در کم کردن استرس و داشتن خوابی عمیق و آرام کمک کند. دمنوش گل‌گاوزبان نیز یکی دیگر از معجزه‌گرهای آرامش‌فوری است.



سعی کنید آرام و شمرده نفس بکشید. نفس‌های آرام، و عمیق به کاهش فشارخون و ضربان قلب کمک می‌کند. روش‌های مختلفی برای تنفس عمیق امتحان کنید و ببینید کدام روش برایتان جواب می‌دهد. یکی از تکنیک‌های سریع آرامش با تنفس، تکنیک ۴-۷-۸ می‌باشد. بدین صورت که به مدت ۴ ثانیه یک دم عمیق بکشید، سپس به مدت ۷ ثانیه نفستان را حبس کنید و بعد در ادامه در طی ۸ ثانیه یک بازدم عمیق انجام دهید و چندبار تکرار کنید. این روش را قبل از خواب هم می‌توانید انجام دهید. زیرا به پایین آمدن ضربان قلب کمک کرده و باعث می‌شود زودتر به خواب فرو روید.



گوش دادن به موسیقی یکی دیگر از راه‌هاست. موسیقی غذای روح است و یک راه فوری برای به دست آوردن آرامش ذهن می‌باشد. البته پیشنهاد می‌کنیم موسیقی بی کلام گوش دهید تا تاثیر بهتری بگیرید.



پیاده‌روی و دویدن در طبیعت یکی از راههاییست که باعث ترشح هورمون‌هایی می‌شوند که بدن را در حالت آرامش فرو می‌برند. در گذشته انسان‌های نخستین هنگامی که احساس خطر می‌کردند پا به فرار می‌گذاشتند و بعد از آن هورمون‌های آرامش بخشی مثل دوپامین و سروتونین ترشح می‌شدند. برای همین دلیل است که مغز انسان یاد گرفته است که در برابر استرس با دویدن به حالت آرامش دست پیدا کند.



شنیده‌اید که خنده بر هر درد بی‌درمان دواست؟ ذهن انسان نمی‌تواند خنده واقعی را از غیر واقعی تمیز دهد. به همین خاطر وقتی شما بی‌بهبانه می‌خندید مغز هورمون‌های دوپامین ترشح می‌کند که این هورمون خود شادی را بیشتر کرده و شما را به آرامش می‌رساند. خندیدن یک پادزهر قوی علیه استرس به شمار می‌رود.



شکلات بخورید. شکلات سطح قند خون شما را افزایش می‌دهد. سطح هورمون کورتیزول را کم کرده و متابولیسم بدن را ثابت نگه می‌دارد. مجموع این اعمال در بدن به آرامش ختم می‌شود.

وقایع کلیدی عملیات خیبر در دوران دفاع مقدس



آغاز عملیات : ۳ اسفندماه ۱۳۶۲ پایان عملیات : ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۲



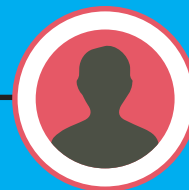
بمباران شیمیایی گسترده:

هورالهیوز تا طلائی
جزایر مجنون شمالی و جنوبی
پاسگاه‌های شط علی، کیان‌دشت
و جفیر
پادگان حمید
شهر هویزه
سهرای جفیر تا آب تیمور
قرارگاه‌های خاتم، نصرت، کربلا،
نجف، حنین، حدید، فتح و نصر



استعداد نیروهای طرفین

نیروهای مسلح ایران:
۹ لشکر پیاده - ۶ تیپ مستقل
پیاده - ۲ لشکر زرهی - ۳ تیپ
مستقل زرهی
۲۸ گردان از ارتش ایران - ۲۴
گردان مانوری از سپاه پاسداران
نیروهای مسلح عراق:
۴۳ گردان پیاده - ۱۱ گردان
تانک - ۷ گردان مکانیزه از
ارتش عراق



تلفات انسانی

بیش از ۳۰ هزار نفر شهید و
زخمی از رزمندگان کشورمان
۱۸۰۰ نفر شهید
۵۰۰۰ نفر مفقود
و بیش از ۱۵۰۰۰ نفر مجروح از
نیروهای سپاه پاسداران و بسیج
تلفات نیروهای عراقی در این
عملیات بیش از ۱۵ هزار نفر
(کشته و زخمی) اعلام شد.



در سال ۱۳۶۳ مهندسی رزمی سپاه پاسداران با فرماندهی سردار وفایی، با مشارکت جهاد سازندگی و وزارت صنایع سنگین، در طرحی ابتکاری، برای وصل کردن ساحل شرقی هورالهوریزه به جزایر مجنون، در مدت ۷۵ روز، پل شناوری به طول ۱۳ کیلومتر را طراحی و احداث کردند. پل خیبر طولانی‌ترین پل شناور در تاریخ نظامی جهان است، که پایداری زیادی در مقابل بمباران داشت و برای شناورسازی آن نیز از مواد پلیمری در سازه آن استفاده

شده بود و در فواصل معینی از طول پل، پارکینگ و محل نصب توپ‌های ضدهوایی، همچنین اتصالاتی برای قطعات یدکی در طول مسیر پل تعبیه شده بود، تا در صورت نیاز، قسمت‌های مختلف آن، به سرعت قابل تعمیر و تعویض باشند که به معنای واقعی کلمه یک شاهکار محسوب می‌شد.



نتایج عملیات

اشغال جزیره مجنون توسط نیروهای ایرانی
آزادسازی ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در هورالعظیم
۱۴۰ کیلومتر مربع در جزایر مجنون
آزادسازی ۴۰ کیلومتر مربع در طلائی

آمار حملات شیمیایی دشمن:

حدود یک‌صد حمله شیمیایی
حدود یک‌هزار بمب و راکت
حامل عوامل شیمیایی
بیش از ۳ هزار گلوله توپ
شیمیایی

ستاره‌های درخشان

شهادت محمدابراهیم همت؛
فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله
شهادت حمید باکری جانشین
فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا
شهادت اکبر زجاجی و مرتضی
یاغچیان از فرماندهان میانی
سپاه پاسداران
جراحت و قطع یک
دست حسین خرازی
فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین

اولین
استفاده گسترده از
جنگ‌افزارهای شیمیایی توسط
تیروهای عراق علیه کشورمان
از تاریخ ۶ اسفند ۱۳۶۲ و با به کارگیری:
۳۳ فروند بمب‌افکن
۱۰۰ قبضه توپ
هوایماهای تک‌موتوره و بالگردها

گردآوری: حامد معز

شجره طیبه

پنجم آذر سال ۵۸ بود که بسیج مستضعفین با فرمان حضرت امام (ره) تشکیل شد. مجموعه‌ای خالص و مخلص که در دی‌ماه ۵۹ پس از تصویب در مجلس به شکل قانونی تبدیل به سازمانی شد که در برهه‌ای به نام نیروی مقاومت بسیج شناخته شد و در ادامه از سال ۱۳۸۸ به نام سازمان بسیج مستضعفین تا به امروز مشغول خدمت است. ۲۰ نقل قول و ۲۰ جمله طلایی در مورد نقش، جایگاه و فلسفه بسیج را خواهید خواند.

۴۴

محشور گرداند. تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد.

۷۷ ارتش بیست میلیونی (بسیج) فرمول دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی است.

۷۷ بسیج میقات پا برهنگان معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشانی در گمنامی و بی نشانی گرفته‌اند.

۷۷ سنگ بنای بسیج بر حکم فقهی و جهادی استوار است؛ جهادی که مبتنی بر روحیه دفاعی باشد و نه تهاجمی یا جهان گشایی.

۷۷ اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید والا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند، بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد.

امام خمینی (ره):

۷۷ بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرمی است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوات تعیین و حدیث عشق می‌دهد.

۷۷ بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی سقوط در دام دو ابر قدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۷۷ در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجیم.

۷۷ بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده‌اند.

۷۷ بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند.

۷۷ من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم

۷۷

مقام معظم رهبری:

۷۷ بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواحنا و فداه) و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است.

۷۷ شما جوانان بسیجی و سپاهی و جوانان مؤمن آگاهی را با احساس مسئولیت و شور و شعور همراه کردید.

۷۷ نیروهای نظامی و بسیجی ما مؤمن و با اخلاصند و به عنوان پشتوانه‌ای که هیچ خدشه‌ای در آن راه ندارد، محسوب می‌شوند.

۷۷ انکار بسیج، انکار بزرگترین ضرورت و مصلحت برای کشور است.

۷۷ اگر بسیج در دوران پس از جنگ نبود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام و همه حرکت‌های سازنده این کشور لنگ است.

۷۷ تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد، به نیروهای بسیج، به انگیزه بسیج به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج است.

۷۷ فرزندان بسیجی‌ام با حضور خود در هر صحنه‌ای که لازم است دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند.

۷۷ بسیج، یعنی نیروی کارآمد کشور برای همه‌ی میدان‌ها

۷۷ ایمان عاشقانه، ایمان عمیق، ایمان توأم با عواطف که از خصوصیات ملت ایران است باعث درخشان شدن بسیج شد.

۷۷ بسیاری از پیشرفت‌های کشور مرهون تفکر بسیجی است.

گفت و گو با شیرین هادی زاده بازیکن اسبق تیم ملی ووشوی بانوان کشور

مصاحبه گر: پریسا علیزاده



ثبت نام کنیم مسئول باشگاه گفت که مربی تکواندو امروز نیامده و وقتی تردید ما را دید پیشنهاد کرد به جای تکواندو بیاییم و در کلاس‌های «ووشو» ثبت نام کنیم. ما هم قبول کردیم و اینطور شد که ووشو را شروع کردم. یعنی کاملاً تصادفی!!

راستش را بخواهید آن زمان اصلاً نمی‌دانستم ووشو چگونه ورزشی است، اما جلسه اول کلاس همه چیز را برایم تغییر داد. بعد از اینکه جلسه اولم تمام شد مربی آمد پیش من و پرسید قبلاً کجا تمرین می‌کردم. من هم گفتم که اصلاً این ورزش را انجام نداده‌ام. خیلی تعجب کرد و گفت که استعداد ذاتی در من دیده و پیشنهاد کرد که حتماً به طور جدی آن را ادامه بدهم. از آن روز تا ۵ سال روز به روز جدی‌تر و پراکنیزتر شدم و تمریناتم را بیشتر و بیشتر کردم و کم‌کم تبدیل شدم به یک ووشو کار حرفه‌ای. همین جا هم باید از کمک‌های بزرگی که خانم «یلدا حاج‌قهرمانی» و همین‌طور استاد «حسن نژادی» برای پیشرفت من کردند قدردانی کنم. اگر کمک‌های دوستانه و بی‌دریغ خانم حاج‌قهرمانی نبود من هرگز به این جایگاه نمی‌رسیدم. وی ادامه داد: آبان ماه سال ۱۳۹۶ به اردوی قهرمانی

شیرین هادی زاده: به اعتقاد من دختران جوانی که می‌خواهند در هر رشته ورزشی موفق شوند، با دوری کردن از حواشی و تلاش شبانه‌روزی و زندگی حرفه‌ای ورزشی، می‌توانند به قله‌های موفقیت دست پیدا کنند.

«شیرین هادی زاده» بانویی که در یکی از دشوارترین رشته‌های ورزشی (ووشو) که غالباً تصور می‌شود که ورزشی خشن و مردانه است، مقام‌های بسیاری کسب کرده و اکنون به کار مربی‌گری دختران ووشو کار استان اردبیل مشغول است.

شیرین هادی زاده، متولد آبان ۱۳۷۶، بنا به گفته خودش «ووشو» را از سنین ۱۳-۱۴ سالگی آغاز کرد. او با یادآوری دوران نوجوانی می‌گوید: گمان می‌کنم حدود ۱۲-۱۳ سالگی‌ام بود که یکی از دوستان هم مدرسه‌ای ام به من پیشنهاد کرد که برویم در باشگاه ثبت نام کنیم. من هم قبول کردم و رفتیم. یادم هست که وقتی وارد باشگاه شدم اصلاً نمی‌دانستم قرار است چه ورزشی را انتخاب کنم! یعنی برایم فرقی هم نمی‌کرد. دوستم برگشت و به من گفت بیا برویم تکواندو، من هم به نظرم جذاب آمد و قبول کردم. خلاصه زمانی که رفتیم برای تکواندو



● شیرین هادی‌زاده:

به اعتقاد من دختران جوانی که می‌خواهند در هر رشته ورزشی موفق شوند، با دوری کردن از حواشی و تلاش شبانه‌روزی و زندگی حرفه‌ای ورزشی، می‌توانند به قله‌های موفقیت دست پیدا کنند.

است از انگیزه و تلاش خود در فائق آمدن بر مشکلاتی که پیش روی دختران در رشته‌های ورزشی وجود دارد گفت: به عقیده من مجموعه‌ای از محدودیت‌ها به خصوص برای خانم‌های ورزشکار در رشته‌های ورزشی رزمی وجود دارد که نمی‌توان آنها را انکار کرد. این محدودیت‌ها می‌توانند در عملکرد شما تاثیر بگذارند اما هرگز در نتیجه تاثیر گذار نیستند. این ورزشکار و مربی با استعداد در پایان گفت و گو ضمن تشویق دختران جوانی که می‌خواهند در این رشته ورزشی وارد شوند افزود: آنچه که باید به عنوان یک ووشو کار و یک مربی کنونی ووشو به کسانی که می‌خواهند در این ورزش وارد شوند بگویم این است که دو موضوع را سرلوحه همه چیز قرار بدهند. اول: از حاشیه دوری کنند و تنها هم و غم خودشان را روی انگیزه‌ها و علایق قلبی‌شان بگذارند؛ و دوم: سخت تمرین کنند. همانطوری که گفتم موفقیت در هیچ چیز یک روزه به دست نمی‌آید..

”

تلاش هر در بسته‌ای را باز می‌کند

“

تیم ملی دعوت شدم، سال ۱۳۹۷ هم برای مسابقات آسیایی انتخاب شدم. سالی که هم در لیگ برتر سپاهان و هم لیگ شیبستر تبریز یک سالی بود که کار می‌کردم. اما متأسفانه در همان زمان آسیب جدی دیدم و از سال ۹۷ تا امروز در حال مربی‌گری برای بچه‌های ووشو استان اردبیل هستم. این را هم بگویم که مدرک داوری درجه ۲ ووشو و یک قهرمانی کشوری «سبکی» و چند دوره قهرمانی و مدال طلا و همین‌طور مقام دوم و سوم را هم در طی این سال‌ها بدست آورده‌ام.

بعد از سه ماه تمرین سخت، وارد تورنومنت انتخابی بین‌المللی شدم و در اولین مبارزه مقام اول را کسب کردم، بعد همراه خواهران منصوریان به زاهدان رفتیم و در آنجا هم مقام اول را کسب کردم. این دوران را می‌توانم دوران اوج موفقیت‌های ورزشی‌ام بنامم. حریف بعدی‌ام در مبارزه خانم «شهربانو منصوریان» بودند -لازم به ذکر است که خانم منصوریان به من در تمرینات آمادگی بسیار کمک کرده بودند- که از ایشان شکست خوردم.

این ووشوکار جوان که اکنون در شهر اردبیل به کار مربی‌گری برای هنرجویان با انگیزه ووشو مشغول

توانستن به سبک توانیتو

معرفی اجمالی استارت آپ توانیتو

شاید واژه استارت آپ برای شما آشنا باشد، شاید هم نه. حتی ممکن است در این حوزه فعال باشید که در این صورت قطعاً می‌دانید که یک استارت آپ موفق زمانی شکل می‌گیرد که از دل یک نیاز برآمده باشد. اینکه مسئله‌ای را در جامعه ببینیم و راه‌حلی برای آن ارائه دهیم که تا کنون کسی آن را انجام نداده، و یا به روشی بهتر و کارآمد این نیاز را رفع کنیم. موضوع برای فعالیت زیاد است و ایده هم فراوان. اما مهم این است که یک تیم کاری و مناسب برای این کار دور هم جمع شوند.



STARTUP

توانیتو خدمات متنوعی را به صورت یکپارچه ارائه می‌دهد».

به گفته «سارا حلم‌زاده»، مدیر محصول توانیتو، این استارت‌آپ در فاز اول، خدمات اساسی مانند پزشکی، فیزیوتراپی، وکالت و آرایشگری را ارائه می‌دهد. او این خدمات را پایه‌ای برای توانمندسازی و حضور بیشتر افراد معلول در جامعه می‌داند.

اما خدمات توانیتو به معلولان محدود نمی‌شود. این سامانه امکان اشتغال و درآمدزایی ارائه‌دهندگان خدمات را نیز فراهم می‌کند. این افراد می‌توانند با ثبت‌نام در این سایت و تشکیل پرونده، خدمات خود را به توانیاب‌ها ارائه کنند. حلم‌زاده یک پزشک را مثال می‌زند که می‌تواند ساعاتی از روزش را به ارائه خدمات به توانیاب‌ها اختصاص دهد. توانیتو از کمک شرکت‌ها و افرادی که بتوانند در این مسیر به جامعه توانیاب‌ها خدمت کنند، استقبال می‌کند.

توانیتو سال گذشته معرفی شد و زمان بین معرفی تا امروز که شروع فعالیت آن بود، کمی به طول انجامید. سارا حلم‌زاده علت این تأخیر را پیچیدگی کار و تنوع زیاد جامعه معلولان عنوان می‌کند. تغییر تیم فنی و بازاریابی در تکنولوژی آن برای توسعه‌پذیری نیز از دلایل دیگر این موضوع بوده است.

اکثر اعضای تیم توانیتو به صورت داوطلبانه کار می‌کنند و تعدادی از آن‌ها نیز از شهرهایی همچون تبریز، دزفول، تهران به دورکاری می‌پردازند.

وحید رجب‌لو در پاسخ به این سوال که آینده توانیتو را چگونه می‌بیند، می‌گوید: «نگاه جامعه به افراد معلول تغییر کرده است. توانیتو یک کسب و کار است که شاید یک روز برود اما من بیشتر دنبال این بودم که نگاه مردم را عوض کنم. من می‌خواستم صدای توانیاب‌ها باشم و پیام آن‌ها را به جامعه برسانم.» او همیشه از رسانه‌ها و کاربران فضای مجازی که دوستانه او را همراهی کرده‌اند، به طور ویژه تشکر می‌کند و قدردان زحمات و لطف آن‌ها است.

گردآورنده: حامد معز

موضوع توانیاب‌ها و نیازهای آنها نیز یکی از مهمترین دغدغه‌های جامعه کارآفرینی جهان شده است. توانیاب‌ها (معلولین حرکتی و ذهنی) و موضوع توانمندسازی آن‌ها در دو سه سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این ماجرا از آنجا شروع شد که افراد توانیاب که بیش از ۱۱ درصد جامعه ما را تشکیل می‌دهند، حضور کم‌رنگی در جامعه دارند و شرایط بهره‌مندی از فرصت‌های زیادی برای آن‌ها فراهم نیست. همین مسأله، دلیلی شد برای «وحید رجب‌لو» تا به راه‌اندازی کسب و کاری برای کمک کردن به توانیاب‌ها فکر کند؛ کسب‌وکاری به نام «توانیتو».

توانیتو یک سامانه است که امکان درخواست خدمات اساسی مورد نیاز توانیاب‌ها مانند فیزیوتراپی، پزشکی و آموزش را به صورت آنلاین برایشان فراهم می‌کند. در واقع توانیتو یک واسطه است بین توانیاب‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات توانیاب‌ها و این خدمات را به صورت یکپارچه و مجتمع از طریق وبسایت و اپلیکیشن توانیتو ارائه می‌کند.

وحید رجب‌لو داستان خودش را اینگونه تعریف می‌کند که به خاطر مناسب نبودن شرایط جامعه فرصت تحصیل کردن را از دست داد. وحید باور دارد که افراد معلول نباید انرژی‌شان را صرف مبارزه برای کارهای ساده زندگی کنند و باید برای هدف‌های بزرگتری بجنگند. با این توضیحات، هدفش از راه‌اندازی توانیتو را «مناسب‌سازی جامعه برای معلولین» عنوان کرد.

او تمایلش به مستقل شدن و کسب و کارهایی مانند اسنپ، پونیشا و دیوار را الهام‌بخش خود برای راه‌اندازی توانیتو می‌داند. وحید در موضوع تفاوت توانیتو با سایر خدمت‌دهندگان آنلاین می‌گوید: «در حال حاضر، هیچ استارت‌آپی تمرکز ویژه روی توانیاب‌ها ندارد. علاوه بر این، در سایت‌های دیگر شما طرف مقابل را نمی‌شناسید. اما توانیتو برای خدمت‌دهندگان پرونده تشکیل می‌دهد و آن‌ها را با مشخصات حقیقی‌شان ثبت‌نام می‌کند و می‌توانید سابقه کار و امتیاز آن‌ها را مشاهده کنید. در نهایت،

پایه پای مردان، در همه عرصه‌ها



نقش زنان در امری مثل جنگ، آن هم جنگی مثل هشت سال دفاع مقدس کشور ما در برابر هجوم دشمن بعثی، آنقدر گسترده است که نمی‌توان آن را از نقش مردان جدا کرد. اگر تعداد مردان ما در خط مقدم جبهه و جنگ تن به تن و دفاع از مرزهای کشورمان چشم‌گیرتر بود، در مقابل زنان کشورمان هم همزمان در جبهه‌های مختلف می‌جنگیدند و اثری از خود بر جای می‌گذاشتند که اگر نبود، شاید پیروزی هم نتیجه جنگیدن رزمندگان غیورمان نمی‌شد. در وهله اول مادران سرزمینمان مشغول تربیت کردن فرزندانی بودند که سرمایه‌های واقعی میهن بودند. در کنار آن‌ها اما زنان جوان، نقش دیگری داشتند، آن‌ها همسرانشان را آماده حضور در جبهه‌های جنگ می‌کردند، در ستادهای پشتیبانی در امر پرستاری و امداد رسانی به مجروحین و آماده سازی مهمات و غذا از عوامل اصلی بودند، عکاسی و خبرنگاری جنگ می‌کردند و هر کار دیگری که بخصوص در بخش پشتیبانی جبهه‌های جنگ لازم بود.

در دوران دفاع مقدس، زنان سپاه و بسیج خرمشهر از اولین زنانی بودند که در مناطق عملیاتی باقی ماندند و کارهایی از جمله حفاظت از انبار مهمات و رساندن آن به رزمندگان، کندن سنگر، تهیه و طبخ غذا برای رزمندگان مشغول شدند. در ادامه، این حضور تنها به زنان مناطق جنگی معطوف نشد و زنان کشورمان از مناطق مختلف در جبهه‌ها حضور پیدا کرده و در بخش‌های مختلف با سایر رزمندگان اسلام هم قدم شدند. امام خمینی (ره) درخصوص نقش بانوان در جبهه‌های حق علیه باطل می‌فرماید: «من هروقت بانوان محترم را می‌بینم که با عزم و اراده قاطع در راه هدف ما حاضر به همه‌طور زحمت بلکه شهادت هستند، مطمئن می‌شوم که این راه به پیروزی منتهی می‌شود.»

درخصوص شرکت مستقیم بانوان در عملیات‌ها و روایت آنها بعضاً غفلت شده است و رشادت‌های آن‌ها در این عرصه از نظرها دور مانده است. آمنه وهاب‌زاده، جانباز شیمیایی دوران دفاع مقدس، در دوران جوانی خود و در همان اوایل جنگ عازم جبهه می‌شود. او می‌گوید: «روز دهم جنگ، با سیصد نفر از خواهران به جبهه اعزام شدیم، وقتی به ماهشهر رسیدیم بعضی همانجا ماندند و من همراه بقیه راهی خط مقدم شدم. آن زمان خط مقدم خرمشهر و آبادان بود. ...بعدها در عملیات ثامن الائمه و بیت‌المقدس شرکت کردم. در والفجر یک شیمیایی شدم، هفت بار مجروح شدم و پای چپم ترکش خورد.» در مثال دیگری از حضور زنان جوان در دفاع مقدس، می‌توان به حضور خانم فاطمه نواب صفوی در آستانه سی سالگی در جبهه‌های جنگ به عنوان یک بانوی چریک اشاره کرد، یک جانباز درخصوص او می‌گوید: «خانم فاطمه نواب صفوی، به عنوان دیده‌بان به طرف بهمن شیر رفته بود، او با اطلاعات موثر و مفیدی که از موقعیت دشمن می‌داد، در موفقیت عملیات نقش تعیین کننده‌ای را ایفا کرد. در آخرین دیدار او را در حالی دیدم که پیکر شهیدی را با خود حمل می‌کرد، معلوم شد که از یک عملیات موفق چریکی بازمی‌گردد.» بانوان جوان در آن دوران حتی در پی جنگ با عراق به اسارت هم درآمده‌اند، فاطمه ناهیدی که آن روزها دختری بیست و چهارساله بوده پس از فارغ التحصیلی در رشته مامایی، با سفر به مناطق محروم، می‌کوشد تا در این عرصه کمک کند، بعدها خبر جنگ را که می‌شنود عازم جبهه می‌شود. نام او در لیست زنانی بود که به اسارت عراق درآمدند، او و هم‌بندیانش، معصومه آبادی ۱۷ ساله، مریم بهرامی و حلیمه آزموده، ۴۰ ماه در اسارت به سربردند. در دوران اسارت ۱۷ روز تمام اعتصاب کردند تا آن‌ها را از زندان سیاسی الرشید به اردوگاه مخصوص اسرا ببرند. آن‌ها سرمشق اسرا بودند، با حجابشان، کلامشان و استقامتشان.

این‌ها تنها چند مثال و چند نمونه از رشادت‌های شیرزنان ایرانی، بخصوص زنان جوان در دوران دفاع مقدس است. همه می‌دانیم که اگر زنان در آن دوران در کنار مردان نبودند زحمات رزمندگان اسلام به بار نمی‌نشستند.



لکه‌های سرخ روی کاغذ

ساندویچی سر کوچه، با آن شکم قلمبه اش! هی می آید و لباس های رنگی جور واجور می دوزد. آن دفعه که آمده بود، مامان خیلی گریه کرد. باز از بابا نامه آورده بودن. سمیه خانم گفت:

- تقصیر خودته که گذاشتی شوهرت بره جنگ.

خیلی از این حرفش لجم گرفت. برایش قایم کردم. اگر این دفعه بباید و پسرش را با خودش بیاورد، یک فصل کتک می زنمش!

نمی دونم. یعنی مامان می تونست جلوی رفتن بابا را بگیرد؟! ولی بابا خب زورش خیلی زیادتر است. قبلا ها وقتی از مغازه برمی گشت با خودش هندوانه بزرگی می آورد، به این هوا... اصلان زورم نمی رسید بلندش کنم. از وقتی که رفته دیگه هندوانه نمی خوریم. بدجوری دلم هوای هندوانه کرده. دفعه ی پیش که بابا آمد قول داد برایم پوکه بیاورد. از همان هایی که آتیش شان صدا می دهد. می گوید: بنگ!

دلم برایش خیلی تنگ شده. ایکاش می آمد و برایمان هندوانه می آورد. اگر این دفعه بباید یک ماچ گنده ازش می گیرم. حتما پول توی جیبی هم می دهد. آنوقت می روم و یه لواشک و آبنبات و پفک و بیسکویت و...

چشم هایم را باز می کنم. چلک

ریز ریز می کند. رویشان چایی می ریزد. بخار چایی انگار قل می زند. بعد خرده قند ها را با قاشق از ته قندان جمع می کند. می پاشد روی تلیت چای. صدایم می زند.

- مصطفی بیا صبحانه! ظهر شد! کار مردم رو دستم مونده.

چشم هایم را می بندم. از وقتی بابا رفته جبهه تمام کارها و خرج و مخارج خانه افتاده روی گردن مامان. از اصلاح صورت تا خیاطی لباس زنانه. از صبح که بیدار می شود مشتری می آید. یا برای اصلاح یا خیاطی. چشم هایم را باز می کنم. دارد نگاهم می کند. از پشت شیشه های عینک، چشمانش چقدر بزرگ شده اند. زیرشان انگار سوخته و پف کرده.

- مصطفی بیا برات نون و چایی درست کردم.

نمی دانم چرا هنوز با من مثل بچه ها حرف می زند. بابا می گفت:

- تو دیگه مرد خونه ای.

دنده به دنده می شوم. می چرخم طرف دیوار. پلک هایم را می گذارم روی هم. باز می گوید.

- میذارم همین جا بمونه هر وقت خواستی بلند شو بخور.

صدای پایش می رود. پلک هایم سنگین می شوند.

چلک چلک چلک... چرخ خیاطی بلند می شود. بابا برایش خرید که لباس های خودمان را بدوزد نه لباس های مردم را. یکیش همین سمیه خانم! زن عباس

صبح، صدای چلیک و چلوک ظرف و ظروف از خواب می پرانند. مامان از آشپزخانه می آید توی اتاق. رخت خواب ها را لوله می کند و روی بوفیه می چیند. می دانم حالا با ملافه ی سفیدی آنها را می پوشاند. این کار را هر روز صبح تکرار می کند. چشم هایم بسته می شوند. روی پتوی کنار دیوار دراز می کشم. بوفیه! چوبی، قهوه ای رنگ و دو در و سه کشو دارد. یکی از کشوها مال من و دوتای دیگه مال بابا و مامان است. لباس هایم را تویش می گذارم.

چشم هایم را باز می کنم. سینی صبحانه می آید و روبرویم، وسط هال پهن می شود. مامان می نشیند کنار سینی. فلاسک را برمی دارد. توی استکان کمر باریکش چایی می ریزد. دانه ای قند برمی دارد. آن را نزدیک لبش می برد. نگاهش می کند. انگار می ترسد آن را بخورد. برمی گرداند توی قندان. چای را تلخ و یک جرعه سر می کشد. به گل های سرخ روی فلاسک خیره می شود. اما تنش می لرزد. انگار سردش می شود. اما هوا که سرد نیست. پاهایش را توی سینه جمع می کند. دست هایش را دورشان حلقه می زند. به خود می فشارد. هنوز دارد به گل های سرخ فلاسک نگاه می کند. چشم هایم را می بندم.

چشم هایم را باز می کنم. حالا دارد از دیگ سرخ پلاستیکی تکه نانی برمی دارد. به دهان می گذارد. آرام آرام می جود. تکه ی دیگری برمی دارد. توی نعلبکی

اوناه که صدایم را نمی شنوند. شاید دارند می روند به یک جای خیلی خیلی دور. جایی که بابا هم آنها را می تواند ببیند. این گنجشک ها هم چقدر جیک جیک می کنند. شاید مثل مامان دارند بچه هایشان را دعوا می کنند. حتماً آنها هم فلاسک چایشان را شکسته اند.

جیر بلند و کشدار زنگ در را می شنوم. سمیه خانم مثل همیشه عجله دارد. حتما آمده که ببیند لباسش آماده است یا نه. اگر سعید پسرش را آورده باشد، صدایش می زنم بالا. می روم و آرام سرم را از دورچین بالا می برم. مامان در حیاط را باز می کند. انگار دارد با مردی حرف می زند. لباس یک دست خاکی و پوتین سربازی پوشیده. اما بابایی نیست. یک کاغذ به مامان می دهد. شاید باز از بابا نامه رسیده. مامان عقب عقب می رود. زمین می خورد. نکنه دزد باشد؟! می خواهد مامان را اذیت کند.

به دواز پله ها می آیم پایین. صدای جیغ مامان می آید. زهره ام می ترکد. نزدیک بود از پله ها بیفتم. می روم توی حیاط. مامان نشسته است روی زمین جیغ می کشد و گریه می کند. می روم طرفش. نمی دانم چرا بجای اینکه بزنتم بغلم می کند. می بوستم. گریه ام می گیرد. همسایه ها یکی یکی می آیند توی خانه. چانه اش را می گیرم و می گویم.

- مامان غلط کردم. بخدا هواسم نبود. دیگه هندونه نمی خوام. سمیه خانم می آید و می نشیند کنارمان. گریه می کند. نامه از دست مامان می افتد. چند لکه سرخ روی آن خشک شده.

مسلم صالحی - اهواز
۸۰/۹/۲۱

خوام. من هندونه می...
حرفم را قطع می کند.

- مصطفی اگه بخوای لوس بازی دربیاری می زنت!

از پای سینی عقب می کشم. پاهایم را در سینه جمع می کنم. به دیوار تکیه می دهم. از بالای عینکش نگاهم می کند. فلاسک چای را توی سینی می گذارد. سینی را برمی دارد می برد توی آشپزخانه. چند دقیقه ای آنجا می ماند. برمی گردد. می رود توی اتاق. باز صدای چلک چلک چلک... بلند می شود.

شکمم درد گرفته. آب دهانم را قورت می دهم. بلند می شوم. می روم آشپزخانه. سینی روی سنگ کابینت است. چهارپایه می گذارم و می روم بالا. باز تلیت سرد شده. فلاسک چایی کمی آنطرفتر است. دستم را به طرفش دراز می کنم. دستم نمی رسد. روی پنجه پا می ایستم. بدنم را به طرفش کش می آورم. دستگیره اش را می گیرم. می کشم. تعادل بهم می ریزد. از دستم لیز می خورد. می افتد. کف آشپزخانه از هم می پاشد. شیشه اش خورد می شود. مامان سر می رسد. از زیر دستش در می روم. از پله های سنگی توی خانه می روم بالا. صدای مامان می ترکد.

- اگه دستم بهت برسه ادب می کنم. پشت بام، ساکت و خفه است. توی سایه ی دورچین پشت بام می نشینم. من که از لچ این کار را نکردم. مامان از وقتی بابا رفته جبهه خیلی بد اخلاق شده. مدام دعوا می کند. باز چلک چلک... چرخ خیاطی می آید. روی موزائیک های خنک پشت بام دراز می کشم. آسمان پر از ابر سفید شده. انگار یک گله بره دارد آرام آرام می گذرد. کجا دارید می روید کوچولوها؟ اما

چلک... چرخ خیاطی قطع و وصل می شود. انگار می رود و می آید. سینی صبحانه هنوز آنجاست. وسط هال. بوی خوبی می آید. فکر کنم بوی خورشید بامیه است. گشنه ام شده. خود را می کشانم کنار سینی. رنگ تلیت چای توی نعلبکی قهوه ای سوخته شده. فاشق کوچیک را از سینی برمی دارم. تلیت را به هم می زنم. توی دهانم می گذارم. عقم می گیرد. تفش می کنم. فریاد می زنم. - مامان!

چلک چلک چرخ خیاطی قطع می شود. مامان به دو می آید و توی هال. رنگش زرد شده. می پرسد.

- چی شده؟

به تلیت توی نعلبکی اشاره می کنم.

- این سرده!

می آید کنارم.

- بچه چرا منو اینجوری صدا می زنی؟!

بند دلم برید.

از فلاسک روی تلیت چایی می ریزد. بخار بلند می شود. نعلبکی را پس می زنم.

- اینو نمی خوام. این بد مزه است.

- می خوای یکی دیگه برات درست کنم؟

- نه! من هندونه می خوام.

نفس سینه اش را خالی می کند.

- هندونه از کجا برات بیارم؟!

- من هندونه می خوام. من هندونه می

مدافعین حرم جوان

گردآورنده: محمدرضا کریمی



شهید عباس دانشگر فرزند مومن در تاریخ هیجدهم اردیبهشت ۱۳۷۲ در شهرستان سمنان و در خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. عباس سبکی ساده در زندگی داشت و در همان کودکی و در سن ۹ سالگی اعتکاف را آغاز کرد. در پنجم مهر ۱۳۹۰ وارد دانشگاه امام حسین شد و شغل پاسداری را برگزید. او که ۲۳ بهمن ۱۳۹۴ دخترعمویش را به همسری برگزیده بود بلافاصله برای دفاع از حرم بی بی زینب(س) عازم سوریه شد و سرانجام در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۰ به درجه رفیع شهادت نائل و پیکر پاکش در گلزار شهدای امامزاده علی ابن اشرف(ع) شهرستان سمنان آرام گرفت.



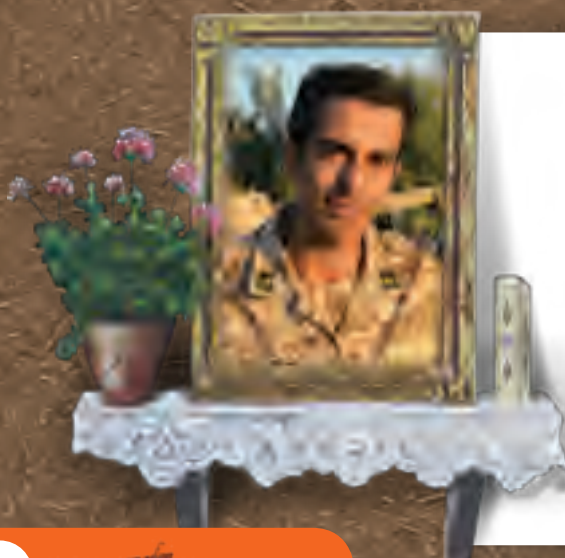
شهید بابک نوری هریس بسیجی جوان گیلانی متولد ۲۱ مهرماه ۱۳۷۱ است که هم‌زمان با سالروز شهادت امام رضا (ع) به شهادت رسید، بیست و دومین شهید مدافع حرم گیلان است. شهید بابک نوری هریس دانشجوی غیور بسیجی، داوطلبانه برای دفاع از حرم بانوی مقاومت حضرت زینب کبری سلام الله علیها به صفوف رزمندگان مدافع حرم در سوریه ملحق شده بود که در عملیات آزاد سازی منطقه البوکمال به تاریخ ۲۸ آبان ۹۶ بال در بال ملاتک گشود و دعوت حق را لبیک گفت و به تاریخ یکم آذرماه ۹۶، در رشت تشییع و تدفین شد.



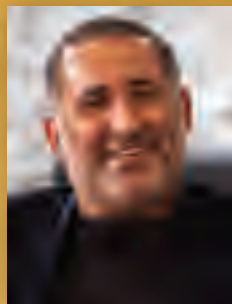
شهید مدافع حرم، محمدرضا عاشور متولد ۲۶ فروردین ماه سال ۱۳۷۴ در استان تهران دیده به جهان گشود. شهید محمدرضا عاشور از نسل چهارم از فرزندان حضرت روح‌الله (ره) بود که برای دفاع از حرم هجرت کرده و به شهادت رسید. محمدرضا دانش‌آموخته‌ی دبیرستان علوم و معارف اسلامی امام صادق (ع) و دانشجوی سال سوم فقه و حقوق اسلامی در مدرسه عالی شهید مطهری بود. از صفات بارز اخلاقی محمدرضا می‌توان به خوش‌خلقی و خلوص نیت در انجام وظایف دینی و امور خیر اشاره کرد. با عنوان بسیجی تکاور راهی سوریه شد و ۲۳ مهرماه ۹۴ در نبرد با تروریست‌های تکفیری در حومه حلب طی عملیات محرم خلعت شهادت پوشید و در امام‌زاده علی اکبر (ع) چیدر به خاک سپرده شد.

تخریب‌چی شهید حسین هریری، متولد مشهد به سال ۶۸ بود و کارشناسی حقوق را از دانشگاه قوه قضاییه دریافت کرد و در قطار شهری مشهد مشغول به کار بود؛ از کودکی در پایگاه بسیج مسجد هجرت حوزه یک عمار حضور و فعالیت داشت و در برپایی تمامی برنامه‌های قرآنی، نماز جماعت، نماز جمعه پیش‌قدم می‌شد.

پیش از آنکه شهید هریری به سوریه اعزام شود پیامی را به دوستان خود ارسال می‌کند و در آن می‌گوید، «می‌روم تا انتقام سیلی مادرم را بگیرم». شهید هریری در تاریخ ۲۲ آبان ۹۵ در سوریه به مقام رفیع شهادت نائل آمد.



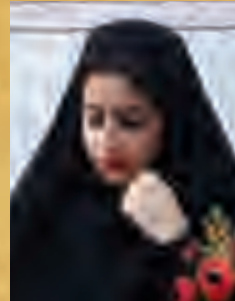
شهید مدافع حرم «حامد جوانی» در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۶۹ در شهر تبریز چشم به جهان گشود. ایشان اواخر سال ۱۳۹۳ برای اولین بار عازم سوریه شده و بعد از حدود ۵۰ روز به کشور بازگشت. شهید حامد جوانی بر اساس رنج و مشکلاتی که در زندگی مردم سوریه دیده بود، این بار خیلی مصمم بود برای رفتن به سوریه که فروردین سال ۹۴ دوباره عازم سوریه شد و در ۲۳ اردیبهشت ۹۴ بر اثر اصابت موشک کنت از هر دو ناحیه چشم و دو دست به درجه جانبازی نائل گردید. شهید حامد جوانی بعد از تحمل این درد و رنج و به کما رفتن، در ۴ تیر ۹۴ به فیض شهادت نائل گردید. از این شهید جوان در سوریه و ایران با عنوان شهید ابولفضل مدافع حرم یاد می‌کنند.



علیرضا قزوه

«اول آ»

اول مهر رسید و من در همان «اول آ» بودم
 مثل گنجشک دلم می زد، مثل گنجشک رها بودم
 پای یک پنجره میزی بود، چه تقلای عزیزی بود
 پنجره راه گریزی بود، خیره در پنجره‌ها بودم
 پشت هر پنجره دنیایی است، چشم وا کردم و بستم، آه
 من کجایم؟ تو کجا؟ با خویش در همین چون و چرا بودم
 گفت: بابا دو هجا دارد... نام من چار هجایی بود
 نان یکی... آب یکی ... باران... مثل باران دو هجا بودم
 گفت: هر حرف صدا دارد... در سکون حرف زدم با خود
 هم صدا بودم و هم ساکت، نه سکوت و نه صدا بودم
 گفت: دلتنگ که ای؟ خندید... گریه کردم که پدر... خم شد
 آه بابا، بابا، بابا، سخت دلتنگ شما بودم
 جنگ شد، پنجره‌ها افتاد، بچه‌ها تشنه سفر کردند
 هشت نهر آینه جاری شد، تشنه در کربلا بودم
 گفت: هی هی! تو کجایی؟ تو ... راست می‌گفت، کجایم من؟
 تو نبود... تو چهل سال است... من... اجازه؟... همه را بودم
 تو چهل سال همه غایب... تو چهل سال همه در خویش...
 من چهل سال، خدای من! من چهل سال کجا بودم؟



زهرا اسلامی



صف شکن

عطر باران پیچید
در فضای خانه
باد در گوش دلم آهسته
خبر از خط شکن دشمن داد
مرد میدان نبرد
در دلش نور امید
هشت سال عمرش را
صرف جنگیدن داد
او پدر بود که در مکتب عشق
پیکرش غرق به خون
زیر باروت و تفنگ
درس ایثار و رشادت می داد
آن دلیر ارتش
نیمه راه سفر بندگی اش
بال پرواز امانت می خواست

گفت در بین سپاه اسلام
چشم امید به فتح فرداست
و در این راه خطر
زخم های تنمان
هدیه از جانب دشمن باشد
شوق پرواز ندارد هرگز
آن که در سینه او
ترس مردن باشد
ما که از روح خداییم چرا
خانه مان در قفس تن باشد
ما شهادت را از
هر چه آلوده به دنیااست جدا بافته ایم
و منیت ها را
حین انجام تکالیف و نماز
با خدا باخته ایم



و باید از میان شما گروهی باشند دعوتگر به خیر که به نیکی فرمان
دهند و از ناشایستی (بدی) بازدارند و اینان رستگارانند

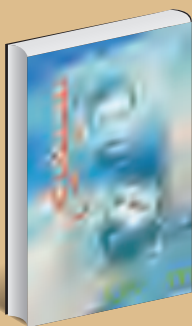
« آل عمران ۱۰۴ »

شیرودی شیردل

به روایت شهید چمران

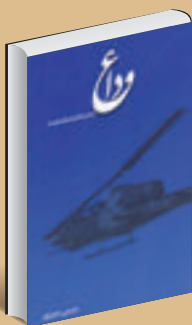


کتاب سیمرغ:



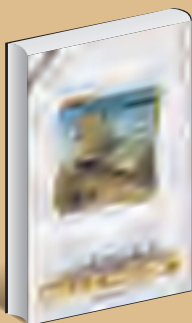
این کتاب با عنوان روایتی از شجاعت شهید علی اکبر شیرودی و شهید احمد کشوری به قلم سرهنگ خلبان حجت شاه محمدی و امیر معصومی در ۲۱۱ صفحه تألیف و تدوین و در سال ۱۳۷۸ توسط انتشارات هفت در تهران منتشر شده است.

کتاب وداع:



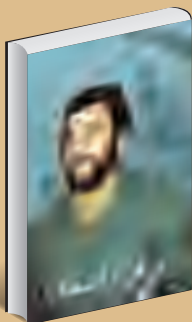
این کتاب به قلم خانم شمسی خسروی در ۱۶۰ صفحه و در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است. نویسنده در این اثر شرح حال زندگی شهید علی اکبر شیرودی هنگام اقامت در کرمانشاه و ازدواج با خانم شهناز شاطرآبادی را به زیبایی بیان کرده است.

هوانیروز در غرب:



سرهنگ خلبان حجت شاه محمدی در این کتاب ۲۹۵ صفحه ای که در سال ۱۳۸۹ منتشر شده جزئیات حماسه‌های خلبانان هوانیروز از جمله شهید علی اکبر شیرودی در سرپل ذهاب و ارتفاعات بازی دراز در دوران دفاع مقدس را شرح داده است و همچنین در انتهای این کتاب، کارنامه شهید شیرودی به همراه خاطرات به یاد ماندنی از زبان همزمان آن شهید آورده شده است.

بر فراز آسمان:



این کتاب سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات شهید هادی و در ۱۴۴ صفحه منتشر شد که به زندگینامه و خاطرات شهید شیرودی اختصاص دارد.

من خاطرات بسیاری با شهید شیرودی دارم و از روزهای اولی که در کردستان شروع به نبرد کردیم وی از طرف هوانیروز با ما همکاری می‌کرد. او یکی از خلبانانی بود که واقعا از ستاره‌های درخشان مبارزات کردستان بود. به خاطر دارم که با هلی‌کوپتر مثل یک جت عمل می‌کرد. هنگام هجوم به دشمن، بدنه هلی‌کوپتر را کج می‌کرد و به صورت مایل، شیرجه می‌رفت. دشمن را زیر رگبار گلوله می‌گرفت و با آن وحشتی که در درون دشمن ایجاد می‌کرد بزرگ‌ترین ضربات را به آنان می‌زد. زمانی که نیروهای ارتش در نزدیکی شهر سقز در محاصره و کمین دشمن قرار گرفته بودند، وی با تاکتیک‌های شجاعانه توانست آنان را از کمین دشمن نجات دهد.

بخشی از وصیت نامه شهید شیرودی

هنگامی که پرواز می‌کنم احساس می‌کنم همچون عاشق به سوی معشوق خود نزدیک می‌شوم و در بازگشت هرچند پروازم موفقیت‌آمیز بوده باشد، مقداری غمگین هستم چون احساس می‌کنم هنوز خالص نشده‌ام تا به سوی خداوند برگردم. اگر برای احیای اسلام نبود، هرگز اسلحه به دست نمی‌گرفتم و به جبهه نمی‌رفتم. پیروزی‌های ما مدیون دست‌های غیبی خداوند است. این کشاورز زاده تنکابنی، سرباز ساده اسلام است و به هیچ یک از حزب‌ها و گروه‌ها وابسته نیست. آرزو دارم که جنگ تمام شود و به زادگاهم بروم و به کار کشاورزی مشغول شوم.



پزشکی

و دستاوردهای آن در ایران

به بهانه یک شهریور
روز پزشک

گردآورنده: توحید سیف



علم پزشکی از آن موقع که طبابت تنها با تجربیات و به دور از یافته‌های آزمایشگاهی انجام می‌شد، تا اکنون که بشر در علوم مختلف بسیار پیشرفت کرده است، علمی نزدیک به عموم مردم و در خدمت آنها بوده است. در ایران هم پزشکی از سالیان بسیار دور، با استفاده از گیاهان دارویی و درمان‌های طبیعی رایج بوده و تلاش دانشمندان این حوزه در طول تاریخ، کشور ما را همواره به یکی از کشورهای پیشرفته در علم پزشکی تبدیل کرده است. آغاز پزشکی در ایران را از دوره‌ای می‌دانند که پارت‌ها در زادگاه نخستین خود در نزدیکی خوارزم ساکن بوده‌اند و اولین پزشک ایرانی تریتا بوده است که حکم اسکلیپوس برای یونانیان را داشته است.

پزشکی در دنیای اسلام از جندی شاپور نشأت گرفته است، می‌گویند که اساتید این شهر به جز خود کسی را سزاوار شغل پزشکی نمی‌دانستند. جندی شاپور در شمال غربی خوزستان و بین شوش و شوشتر در محل دهکده شاه‌آباد کنونی واقع شده است. این مکان در دوران ساسانی و در سده‌های اولیه هجری حائز اهمیت فراوانی بود و مشعل تمدن قدیم جهان را قرن‌ها روشن نگه می‌داشت. از همین کانون است که با ترجمه آثار علمی دنیای باستان به زبان عربی، دانش در دنیای اسلام پا می‌گیرد، تکمیل می‌شود و بعد از ترجمه به چند زبان اروپایی به جهان راه پیدا می‌کند. حتی مغول‌ها هم دانشمندان و پزشکان ایرانی را برای گذران امور خود به خدمت می‌گرفته‌اند، پزشک چنگیزخان مغول نیز ایرانی بوده است که این رسم، یعنی استفاده از پزشکان ایرانی بین مغول‌ها بعد از چنگیزخان هم ادامه پیدا می‌کند.

پیشگامی در علم پزشکی برای ایرانیان به یک دوره خاص محدود نمی‌شود، ابن سینا، دانشمند مشهور ایرانی که در قرن چهارم و پنجم شمسی می‌زیست، به عنوان یکی از تاثیرگذارترین دانشمندان دنیا در حوزه پزشکی به شمار می‌رود. او تالیفات گسترده‌ای بخصوص در حوزه پزشکی تحت عنوان «القانون فی الطب» دارد که یکی از معروف‌ترین آثار تاریخ پزشکی است. در ایران روز اول شهریور ماه، هم‌زمان با زادروز بوعلی سینا، به پاس تالیفات و خدمات وی به علم پزشکی و فعالیت وی در این رشته، و تجلیل از جامعه

پزشکی کشور، روز پزشک نام‌گذاری شده است. امسال اما روز پزشک حال و هوای دیگری داشت. اول شهریور ۹۹ دقیقا شش ماه از شیوع همه‌گیری کرونا در ایران می‌گذشت و در این مدت جامعه پزشکی و کادر درمان در کشورمان مثل سایر نقاط دنیا، از پرکارترین و مهم‌ترین قشرهای جامعه بودند. آنها در خطرناک‌ترین موقعیت سال‌های اخیر، در نزدیک‌ترین فاصله ممکن نسبت به ویروس خطرناک کووید ۱۹، در حال حفاظت از جان مردم بودند و کماکان هستند. در این میان تعدادی از پزشکان، پرستاران و کادر درمان هم در این مبارزه مقدس با ویروس کرونا، جان خود را از دست دادند و عنوان شهید راه سلامت را به خود اختصاص دادند، عنوانی که مردم قدر آن را به خوبی می‌دانند و پاسداشت این شهیدان گرانقدر را هیچ وقت فراموش نخواهند کرد.

اما اگر امروز ما در کشورمان توان مقابله حداکثری با ویروس منحوس کرونا را داریم، و یا در عرصه‌های مختلف پزشکی از کشورهای پیشرفته دنیا محسوب می‌شویم، و حتی به مقصد برخی از گردشگران سلامت دنیا تبدیل می‌شویم به دلیل دستاوردهایی است که جامعه پزشکی کشورمان، بخصوص در سال‌های بعد از انقلاب به دست آورده است. به جرات می‌توان امروزه ایران را در صدر بعضی از شاخه‌های پزشکی در کنار غول‌های اقتصادی و سیاسی دنیا قرار داد. در حالی که شاید برای آن غول‌های سیاسی و اقتصادی این پول بوده است که نخبه‌های دنیا را دور هم جمع کرده و امکانات را فراهم کرده است، اما در ایران این توان علمی و پیشینه پربار ایرانیان است که پزشکی را در سطح عالی خود به ما اهدا کرده است.

بیوتکنولوژیک وارد و داروهای بیماری‌های خاص را تولید کرد؛ تا جایی که اکنون ۳۴ داروی بیوتکنولوژیک تمام ایرانی در کشور تولید می‌شود. پیشرفت ایران در صنعت دارویی سال به سال آنقدر زیاد شد که برای برشمردن همه این دستاوردها مجال بسیار گسترده‌تر نیاز است.

پیشرفت علمی پزشکی نیز همزمان در ایران با رشد چشمگیری مواجه بوده است. تقریباً هیچ شاخه‌ای از علم پزشکی در ایران مغفول نمانده است و دانشمندان ایرانی در همه آن‌ها به دستاوردهای مهمی رسیده‌اند. زیست فناوری به عنوان یکی از حوزه‌های مهم فناوری در یک دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است و محققان ایرانی نیز در این زمینه به دستاوردهای مهمی رسیده‌اند. کسب رتبه نخست تولید واکسن و سرم در خاورمیانه از طریق تولید بیش از ۳ میلیارد دز واکسن انسانی و دامی در ۶۵ نوع مختلف، بخشی از دستاورد محققان ایرانی در حوزه زیست فناوری است. همچنین ایران در زمینه فناوری و تحقیقات سلول‌های بنیادی، توانسته است در زمره ۱۰ کشور برتر قرار بگیرد. پژوهشگران دانش پزشکی در ایران موفقیت‌های بسیاری را هم در بخش‌های مختلف مانند جراحی‌های قلب، کلیه، چشم و روش‌های نوین به دست آورده‌اند.

در نهایت می‌توان گفت که نشانه‌هایی مثل حضور بیماران خارجی در ایران برای استفاده از خدمات پزشکی، کاهش مرگ و میر بخصوص در میان نوزادانی که به دنیا می‌آیند - نسبت به قبل از انقلاب -، افزایش تخت‌های بیمارستانی و ایجاد مراکز بسیار تخصصی مثل مراکز قلب، چشم و جراحی‌های مغزی و پیشرفت‌های تخصصی‌تر مثل تولید رده سلول‌های بنیادی، ترمیم آسیب‌های نخاعی با روش تزریق شوان، تولید دستگاه شتاب دهنده خطی و ده‌ها دستاورد مهم دیگر خبر از پیشرفت جدی ایران در حوزه پزشکی در سال‌های بعد از انقلاب می‌دهند. پیشرفتی که بی شک هم آسایش را برای مردم به ارمغان آورده است و هم کشور را در شرایط تحریمی کنونی از وابستگی به کشورهای خارجی و کمبود امکانات پزشکی فارغ کرده است. البته نباید از این نکته هم غافل شد که میدانی مثل میدان علم پزشکی به تلاش و کوشش دائمی متخصصان برای جا نماندن از پیشرفت‌های لحظه‌ای این علم حیاتی و همچنین از میان برداشتن کمبودها نیاز دارد.

یکی از دستاوردهای مهم حوزه پزشکی در انقلاب اسلامی، رشد تعداد پزشکان و متخصصان است. بسیاری از مردم ما هنوز به یاد دارند زمانی را که تعداد پزشک در کشور کم بود و پزشکی از کشورهای دیگر، بخصوص از هند، بنگلادش و پاکستان برای طبابت به ایران می‌آمدند. پیش از انقلاب پرشکوه اسلامی، در کل کشور تنها ۵ هزار و ۸۹۰ متخصص وجود داشت که ۶۸ درصد آنها در تهران بودند و به نوعی جامعه پزشکی کشور دچار مرکز گرایی بود. اما براساس آمار سازمان نظام پزشکی کشور در سال ۹۷ و همزمان با چهل سالگی انقلاب، ۷۸ هزار پزشک عمومی، ۳۶ هزار پزشک متخصص و دارای برد فوق تخصص، ۲۴ هزار دندانپزشک عمومی و ۲ هزار دندانپزشک متخصص، ۱۹ هزار نفر دکتری داروساز، یک هزار و دویست نفر دکتری علوم آزمایشگاهی و ۳۵ هزار نفر ماما در کل کشور در حال فعالیت هستند که توزیع نسبی خوبی هم در مناطق مختلف کشور دارند.

امروزه ایران با گسترش دانشکده‌های پزشکی و رشد کمی و کیفی پزشکی و همینطور داشتن نیروهای انسانی متخصص در حوزه‌های مختلف پزشکی و بهداشتی، به یکی از قطب‌های تحقیقات، فناوری، سلامت و آموزش پزشکی در منطقه تبدیل شده و در سطح اول دنیا هم از کشورهای دارای فناوری پزشکی محسوب می‌شود. این تا حدی است که صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) در گزارشی سیستم مراقبت‌های اولیه ایران را ستوده است، یونیسف در این گزارش به گسترش شبکه بهداشت بعد از انقلاب اسلامی در شهرها و روستاهای ایران اشاره و آن را تحسین می‌کند. طرح گسترش شبکه‌های بهداشت در سال‌های دهه ۶۰ پایه گذاری شد و اکنون بیش از ۱۸ هزار خانه بهداشت و ۳۵ هزار بهورز در سراسر کشور

وجود دارد که اساسی‌ترین خدمات بهداشتی را به محروم‌ترین و دورافتاده‌ترین روستاهای کشور ارائه می‌دهند.

علاوه بر موارد ذکر شده، ایران در صنعت دارویی هم پیشرفت چشمگیری در سال‌های بعد از انقلاب داشته است. صنعت دارویی کشور سابقه ۸۰ ساله دارد، اما شکوفایی این صنعت پس از انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و با تاسیس ۵ تا ۶ کارخانه مهم داروسازی در کشور، صنعت دارویی ایران به حوزه تولید داروهای

سپیدپوشان سرزمین سرخ

پزشکان در دوران دفاع مقدس نقش مهمی داشتند. دکتر عباس فروتن برای پاسداشت ۱۸۰ پزشک شهید و جانباز دو کتاب ارزشمند تالیف کرده که خواندن آنها خالی از لطف نیست. هر جلد این کتاب مستقل است، جلد اول از شروع انقلاب تا بهار ۱۳۶۵ یعنی خاتمه عملیات فاو نوشته شده و وصیت‌نامه شهدا از جمله موضوعاتی است که در آن پیوست شده است. جلد دوم از آزادسازی مهران و عملیات کربلای ۴ و ۵، جراحی در بیمارستان‌های صحرایی، ماجرای بهبهان، ماجرای حمله شیمیایی به سازمان آب خرمشهر، حمله شیمیایی سردشت و حلبچه، تا خاتمه جنگ و جانبازان شیمیایی و موارد پس از جنگ (ادعای حوادث شیمیایی منطقه طوما سوریه که تکذیب شد و مسمومیت شهری زاهدان) بررسی شده است. دکتر فروتن در مورد دو جلد کتابش می‌گوید: جلد اول این کتاب ۵۰ فصل و جلد دوم ۳۵ فصل دارد. جلد اول، اسامی و سرگذشت ۱۲۰ شهید و جانباز و جلد دوم، داستان ۶۰ شهید و جانباز که به صورت داستان کوتاه یا داستان بلند چاپ شده است. داستان جانبازان و شهدا نیز به دو صورت بوده است که یا در زمان وقوع حادثه در هنگام مجروحیت یا در زمان بهبودی در بیمارستان با آنان آشنا شدم. پس از پایان جنگ نیز برای نوشتن شرح حال آنان راهی سراسر کشور شدم. در ضمن مسائل پزشکی آنان را در کتاب ذکر کردم که برای دانشجویان پزشکی به جهت آشنایی با پزشکی جنگ مفید است. دو کتاب «روایتی از تاریخ پزشکی دفاع مقدس» و «تاریخ پزشکی دفاع مقدس روایتی دیگر» روایتی مستند و جذاب از اقدامات و فعالیت‌های کادر پزشکی و درمانی کشورمان در دوران هشت ساله دفاع مقدس است به کوشش دکتر سیدعباس فروتن که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.





یادمان

زندگی هر کدام از سرداران و سربازان شهید دفاع مقدس را که مرور کنید به یک نقطه مشترک خواهید رسید، آن هم شوق برای رفتن و رسیدن. تصور کنید شما معاون عملیات نیروی هوایی یک کشور هستید، تیمسازی که می‌توانید در ستاد و مرکز فرماندهی با کلی معاون و آجودان و نیروی تحت امر تنها به وظایف خود مشغول شوید اما در عین حال اصرار داشته باشید که خودتان هم در صحنه نبرد حضور موثر و مستقیم داشته باشید. این حکایت سرتیپ عباس بابایی است که در مقابل این سوال که چرا با وجود جایگاه فرماندهی خودش مستقیم در جنگ حضور دارد: «اگر پرواز نکنم، احساس ضعف خواهم کرد زیرا هستی خود را در میدان جنگ می‌بینم».

اگر گذرتان به امامزاده حسین (ع) قزوین افتاد در گلزار شهدا ستون و یادبودی برای این سرلشکر شهید وجود دارد که شما را با یکی از نوابغ دفاع از کشور آشنا خواهد کرد، متولد چهارم آذر ۱۳۲۹ که اگر همچنان در قید حیات بود در آستانه ۷۰ سالگی حرف‌های زیادی از دوران تحصیل در مدرسه دهخدا و بعد از آن دبیرستان نظام داشت. یارایتان تعریف می‌کرد که چطور در سال ۱۳۴۸ در شته پزشکی پذیرفته شد و ناگهان یک تصمیم او را از دانشکده پزشکی به دانشکده خلبانی نیروی هوایی هدایت کرد. او می‌توانست امروز یک پزشک حاذق باشد که تجربه ۵۰ ساله خود را در اختیار دانشجویانش می‌گذارد اما انگار آسمان و ابرها او را فرا می‌خواندند.

مثل همه‌ی هم دوره‌ای‌هایش بعد از دوره یکساله مقدماتی به آمریکا اعزام شد تا دوره پیشرفته هواپیماهای شکاری را بگذراند، دوره‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن تمام اساتید آمریکایی‌اش؛ از کلنل‌ها تا ژنرال‌ها. آمریکایی‌هایی که با یک جوان معتقد، ساده و پر تلاش و باهوش ایرانی مواجه شده بودند.

گواهینامه معلق

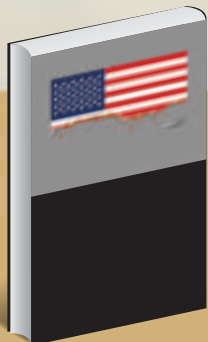
رسم بود که دانشجویان ایرانی با دانشجویان آمریکایی هم اتاق می‌شدند. هر چند بهانه این کار آموزش زبان بود اما در واقع برای بررسی این دانشجویان بود و سبک زندگی عباس باعث شد تا او دچار مشکلاتی شود. خود عباس ماجرای فارغ‌التحصیلی از دانشکده خلبانی آمریکا را چنین تعریف کرده است: «دوره خلبانی مادر آمریکا تمام شده بود، اما به خاطر گزارشاتی که در پرونده خدمتم درج شده بود، تکلیفم روشن نبود و به من گواهینامه نمی‌دادند تا این که روزی



مروری بر زندگی
شهید عباس بابایی

مشتاق پرواز

کتاب‌شناسی



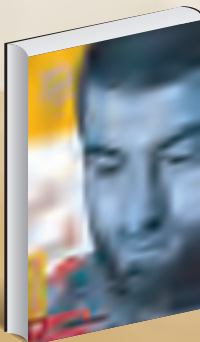
راهی

(کتاب‌های جیبی امیرکبیر)
نویسنده: راضیه عزیزی



آسمان ۱

(مجموعه آسمان)
شهید بابایی به روایت همسر شهید
نویسنده: علی مرج



پرواز سفید

(مجموعه قصه فرماندهان)
نویسنده: داوود بختیاری دانشور

شماره ۱۷۳ و ۱۷۴

چون

۴۶

ماه ۱۳۶۶ به پیشنهاد رئیس شورای عالی دفاع و تأیید امام خمینی به درجه سرتیپی رسید.

شوق پرواز

سال ۶۶ سال عجیبی بود، جنگ نفت کش‌ها و تاری در خلیج فارس جریان داشت. از آن طرف اسم عباس و همسرش برای سفر حج آمده بود که همزمان بود با مامور اسکورت برای عبور سالم کشتی‌های ایرانی از خلیج فارس. آنها چهل کشتی غول پیکر تجاری را به سلامتی عبور داده بودند و به خاموش گفته بود که شما تشریف ببرید من خودم را با آخرین پرواز و تا عید قربان خواهم رساند و این جمله ماندگار: «مکه من این مرز و بوم است. مکه من آبهای گرم خلیج فارس و کشتیهایی هستند که باید سالم از آن عبور کنند، تا امنیت برقرار نباشد، من مشکل می‌توانم خودم را راضی کنم». در پانزدهم مردادماه ۱۳۶۶ روز عید قربان با یک هواپیمای دو کابینه «اف-۵» در تبریز به اتفاق سرهنگ خلبان علی محمد نادری عازم آخرین مأموریت پروازی خود شد. پس از بمباران مواضع دشمن و انجام مأموریت در حال برگشتن برای رسیدن به عید قربان بود که مورد اصابت گلوله ضد هوایی دشمن قرار گرفتند. گلوله حنجره عباس را در ۳۷ سالگی و در روز عید قربان دریده بود. به این قسمت از وصیت‌نامه ایشان دقت کنید تا اوج خضوع یک انسان را دریابید: «...به خدا قسم من از شهدا و خانواده‌های شهدا خجالت می‌کشم تا وصیت‌نامه بنویسم. خدایا! مرگ مرا، فرزندان و همسر مرا شهادت قرار بده. خدایا! همسر و فرزندانم را به تو می‌سپارم. خدایا! من در این دنیا چیزی ندارم و هر چه هست از آن توست. پدر و مادر عزیزم! ما خیلی به این انقلاب بدهکاریم...».

مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا در یکی از سخنرانی‌های خود در توصیف این شهید بزرگوار فرمودند: «در میان رزمندگان، چه ارتش و چه سپاه، شهید بابایی یک انسان بزرگ و یک چهره ماندگار و فراموش‌نشدنی است».

و در این ساعت زمان آن فرا رسیده بود، من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم. ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت: همه این مطالبی که در پرونده تو آمده مثل این که راجع به همین کارهاست، این طور نیست؟ پاسخ دادم: بله همین طور است. لبخند زد. از نوع نگاهش پیدا بود که از صداقت و پایبندی من به سنت و فرهنگ و رنگ نیاختنم در برابر تجدد جامعه آمریکا خوشش آمده است. با چهره‌ای بشاش خودنویس را از جیبش بیرون آورد و پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم. شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم. من هم متقابلاً از او تشکر کردم. احترام گذاشتم و از اتاق خارج شدم.»

بلند پرواز

او سال ۵۱ با درجه ستوان دومی به عنوان خلبان اف ۵ به ایران برگشت و بعد از ورود هواپیماهای جدید و پیشرفته اف ۱۴ برای پرواز با این هواپیما انتخاب و به اصفهان منتقل شد. تا پیش از انقلاب با دختر دایی‌اش خانم منیژه حکمت در سال ۵۴ ازدواج کرد که حاصل آن سه فرزند به نام‌های سلما، محمد و حسین شد.

انقلاب و بعد از آن جنگ عرصه جدیدی برای دلاوری عباس بود. لیاقت و درخشش او به حدی بود که در تابستان سال ۶۰ و در اولین سال دفاع با درجه سرهنگ دومی به فرماندهی پایگاه هشتم شکاری رسید. لیاقت‌ها و رشادت‌های عباس باعث شد تا دو سال بعد ضمن اینکه به درجه سرهنگ تمامی ارتقا پیدا کرد که مسئولیت معاونت عملیات نیروی هوایی ارتش هم به او واگذار شد.

عباس بابایی با وجود مسئولیت سنگین اما خودش در گود حضور داشت و در فاصله سال‌های ۶۴ تا ۶۶ بیش از ۳ هزار ساعت و حضور در ۶۰ عملیات هوایی رو تجربه کرد. به خاطر همین در اردیبهشت

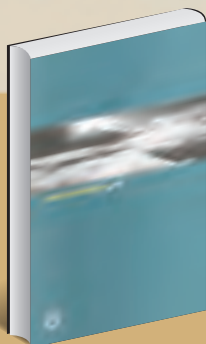
به دفتر مسئول دانشکده که یک ژنرال آمریکایی بود، احضار شدم. به اتاقش رفتم و احترام گذاشتم. او از من خواست که بنشینم. پرونده من در مقابلش و روی میز بود. ژنرال آخرین فردی بود که می‌بایستی نسبت به قبول و یا رد شدنم اظهار نظر می‌کرد. او پرسش‌هایی کرد که من پاسخش را دادم. از سؤال‌های ژنرال برمی‌آمد که نظر خوشی نسبت به من ندارد. این ملاقات ارتباط مستقیمی با آبرو و حیثیت من داشت زیرا احساس می‌کردم که رنج دو سال دوری از خانواده و شوق برنامه‌هایی که برای زندگی آینده‌ام در دل داشتم همه در یک لحظه در حال محو شدن است و باید دست خالی و بدون دریافت گواهینامه خلبانی به ایران برگردم. در همین فکر بودم که در اتاق به صدا در آمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود. او ضمن احترام، از ژنرال خواست تا برای انجام کار مهمی به خارج از اتاق برود، با رفتن ژنرال، من لحظاتی را در اتاق تنها ماندم.

به ساعت نگاه کردم، وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم، کاش در اینجا نبودم و می‌توانستم نماز را اول وقت بخوانم. انتظارم برای آمدن ژنرال طولانی شد. گفتم که هیچ کار مهمی بالاتر از نماز نیست، همین‌جا نماز را می‌خوانم. ان‌شاءالله تا نماز تمام شود، او نخواهد آمد. به گوشه‌ای از اتاق رفتم و روزنامه‌ای را که همراه داشتم به زمین انداختم و مشغول نماز خواندن شدم. در حال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال وارد اتاق شده است. با خود گفتم چه کنم؟ نماز را ادامه بدهم یا بشکنم؟ بالاخره گفتم، نماز را ادامه می‌دهم، هر چه خدا بخواهد همان خواهد شد. نماز را تمام کردم و در حالی که بر روی صندلی می‌نشستم از ژنرال معذرت‌خواهی کردم. ژنرال پس از چند لحظه سکوت، نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟

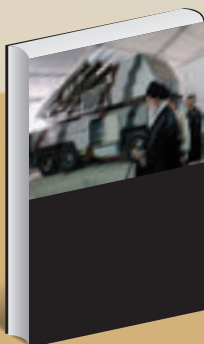
گفتم: عبادت می‌کردم.

گفت: بیشتر توضیح بده.

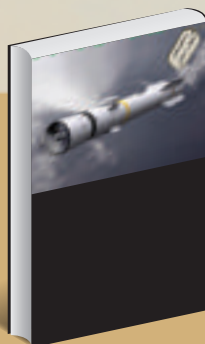
گفتم: در دین ما دستور بر این است که در ساعت‌های معین از شبانه‌روز باید با خداوند به نیایش پردازیم



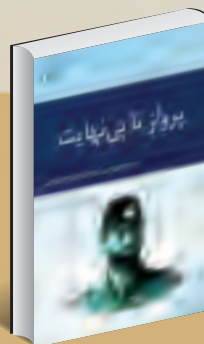
بابایی به روایت همسر شهید
انتشارات روایت فتح



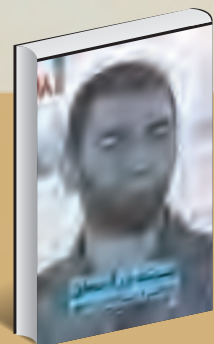
آشیانه بر اوج
نویسنده: جواد افهمی



من و عباس بابایی
نوشته: علی اکبر مزدآبادی



پرواز تا بی‌نهایت
نوشته: سید حکمت
قاضی میرسعید و محمد
طاهری آذر



لیک در آسمان
نویسنده: علی اکبری مزدآبادی

آخرین دستاوردهای صنایع دفاعی کشور

گردآورنده: توحید سیف

صنایع دفاعی کشور آنقدر چشم‌گیر بوده است که همه دشمنان را نگران کرده است. مواردی که در ادامه می‌آید چند نمونه از دستاوردهای اخیر صنایع دفاعی ایران است.

متخصصین ایرانی همواره به دنبال دستاوردهای بیشتر و پیشرفته‌تر دفاعی هستند تا هیچ دشمنی، حتی به فکر تعرض به خاک ایران هم نیفتد. در این مسیر پیشرفت‌های

موشک‌های «شهید حاج قاسم» و «شهید ابومهدی»

صنعت دفاعی کشورمان در زمینه موشک‌های زمین به زمین به مرزهای دانش رسیده است و در زمینه موشک‌های کروز بر تمام تحریم‌های دشمنان غلبه کرده است. موشک بالستیک «حاج قاسم» و موشک کروز دریایی «شهید ابومهدی» نیز در ادامه همین پیشرفت‌های دفاعی کشور و در مدت زمان کوتاه و هزینه‌ای بسیار پایین‌تر از نمونه‌های خارجی به دست متخصصین صنعت دفاعی کشور تولید شده است. موشک «شهید حاج قاسم» موشکی مایل پرتاب و تاکتیکی با برد ۱۴۰۰ کیلومتر است و مبتنی بر فناوری‌های کنترل پروازی و دینامیک پرواز تولید شده است. ویژگی اصلی موشک کروز دریایی «شهید ابومهدی» مثل سایر موشک‌های کروز دریایی ارتفاع پرواز کم و دور زدن پدافند دشمن است، برد این موشک بیشتر از ۱۰۰۰ کیلومتر است که سناریوی عملیاتی نیروهای مسلح را تکمیل می‌کند. این موشک قابلیت شلیک از عمق و پرواز از چند جهت مختلف به سوی هدف را دارد.



موشک «دهلاویه» با فیوزهای لیزری

موشک هدایت شونده ضد زره را می‌توان یکی از مهم‌ترین مصادیق رشد و بلوغ صنایع دفاعی ایران در بخش زمینی به شمار آورد. تجارب جنگ تحمیلی باعث شد که از آن دوره تا به امروز سرمایه‌گذاری مناسبی روی بحث سیستم‌های ضد زره در مدل‌های مختلف انجام شود. دو سری از موشک‌های تولید ایران با عنوان‌های طوفان و دهلاویه که براساس موشک‌های تاو آمریکایی و کورنت روسی تولید می‌شوند، مهم‌ترین و اصلی‌ترین سلاح‌های هدایت شونده ضد زره حال حاضر نیروهای مسلح کشورمان هستند. اخیراً گونه جدیدی از موشک دهلاویه توسط متخصصین ایرانی طراحی و تولید شده است که نسبت به مدل‌های قبلی یک ارتقا مهم محسوب می‌شود و به نوعی پیشرفته‌ترین موشک ضد زره عملیاتی در ایران است. این موشک که به سنسورهای لیزری مجهز است برد موثر ۱۰۰ الی ۵۵۰۰ متری دارد، از سیستم هدایتی لیزری نیمه خودکار، فرمان به خط و موج سواری لیزری بهره می‌برد.



ماهواره نظامی نور

ماهواره نظامی نور یک ماهواره چند منظوره است که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹ توسط سپاه پاسداران و به وسیله ماهواره‌بر قاصد از کویر مرکزی ایران پرتاب و با موفقیت در مدار ۴۲۵ کیلومتری زمین قرار گرفت. ماهواره نور اولین ماهواره نظامی ایران است که در مدار قرار گرفته است. نخستین کاربرد ماهواره‌های نظامی، تصویربرداری با کیفیت از سطح زمین است. کاربرد دیگر آنها تهیه نقشه توپوگرافی برای هدایت دقیق موشک‌های بالستیک و کروز بوده و از سوی دیگر رصد تحرکات دشمن، برآورد خسارت وارد آمده و ... از جمله قابلیت‌های تصویربرداری فضایی است. بیش از ۴۰۰ ماهواره نظامی یا با کاربرد دوگانه نظامی-غیرنظامی در مدار زمین قرار دارد که بخش بزرگی از آنها متعلق به آمریکا، روسیه و چین است و تنها حدود ۳۰ کشور چنین ماهواره‌هایی دارند که حالا ایران نیز با این دستاورد مهم نظامی در زمره کشورهای صاحب این تکنولوژی قرار دارد.

ایثار از جنگ با عراق تا جنگ با کرونا

سیدپوشان سلامت

گردآورنده: جعفر پاکزاد

با کلی امید و آرزو لباس سفید را به تن کردند تا پا به دنیای پزشکی بگذارند اما ورود آنها به کار هم زمان با شیوع ویروس منحوس کرونا شد. پاندمی‌ای که نه تنها ایران که دنیا را درگیر خود کرد و علاوه بر اینکه همه‌ی فعالیت بشر را مختل کرد که جان بسیاری را هم گرفت. حالا این جوانان سفیدپوش در خط مقدم جنگ با ویروس کرونا قرار دارند درست مثل جوانانی که در هشت سال جنگ تحمیلی قید زندگی راحت و بدون دغدغه را زدند و در جبهه‌های دفاع از خاک شرکت کردند در عوض اینان جان برکف‌های دوران معاصر هستند در سنگر سلامت.

تا قبل از اینکه پای کرونا به کشورمان باز شود هر وقت حرف از خط مقدم می‌شد ناخودآگاه به یاد دوران هشت سال جنگ تحمیلی می‌افتادیم اما این روزها تعریف از خط مقدم جبهه کمی متفاوت‌تر شده و رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است، خط مقدمی به وسعت ایران و با حضور جان‌برکفانی تازه. آن سال‌ها رزمندگان لباس خاکی به تن داشتند و در مقابل دشمن بعضی جانشان را کف دستشان گذاشتند تا از مرز و بوم کشور عزیزمان دفاع کنند اما این روزها رزمندگان ما همان پرستاران و پزشکان و کادر درمانی هستند که با لباس سفید تمام قد در این عرصه تازه ایستاده‌اند. با توجه به اینکه ایران در دنیا جزء کشورهای جوان محسوب می‌شود پس می‌توانیم به این نتیجه برسیم که این روزها کادر درمان ما بیشتر از نسل جوان شکل گرفته است. نسلی که آغاز به کارشان در جبهه جنگ با بیماری منحوس کرونا عجین شده است. درست مثل نسل



پیشین که بخش اعظم شان نوجوانان و جوانانی بودند که از کلاس‌های درس و دانشگاه به جبهه اعزام شدند.

کافی است پای حرف و در دل هر کدام از آنها بنشینیم، کلی ناگفته دارند، حرف‌هایی که از سختی کار می‌گوید و دلتنگی برای دیدن عزیزانشان. درست مثل جوان‌هایی که در هشت سال جنگ تحمیلی چشمشان را به روی همه راحتی‌های دوران جوانی بستند و تمام فکر و ذکرشان وظیفه‌ای بود که بر دوششان سنگینی می‌کرد.

علی رضا وحیدی اصل ۲۴ ساله کارشناس اتاق عمل و فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی گناباد است. این روزها علی رضای جوان مثل همه‌ی همکاران و دوستانش در بیمارستان امید مشهد که به مرکز جراحی سرطان در شمال شرق کشور معروف است سخت کار می‌کند.

با کلی امید و آرزو وارد رشته تحصیلی‌اش شد به امید اینکه پس از سال‌ها درس خواندن بتواند آینده‌ای درخشان را برای خودش رقم بزند. هرچند همان روزی که لباس سفید پزشکی را به تن کرد می‌دانست که قدم در راهی پریپیچ و خم گذاشته است و عده‌ای زیادی از مردم به دستان او چشم دوختند تا عزیزشان را بازگرداند اما هیچ وقت فکرش را نمی‌کرد که آغاز به کارشان با پدیده‌ای شوم و عالم‌گیر همچون کووید ۱۹ که به ویروس کرونا مشهور شده مصادف شود.

حرف گفتنی زیاد دارد و اینطور آغاز می‌کند: تک فرزند هستم، و الان چهار ماه بیشتر شده که خانواده‌ام را ندیده‌ام. آخر هم کرونا گرفتم و مادرم هم دچار این بیماری شد تا توانستیم همدیگر را ببینیم. آن هم نه در آغوش گرفتنی در کار بود، نه بوسیدنی. بارها اتفاق افتاده که خسته شده‌ام اما هر بار که این خستگی به سراغم می‌آید به این فکر می‌کنم که برای کشورم چه جوان‌هایی که در گذشته جانشان را کف دستشان نگذاشتند و ماه‌ها و چه بسا سال‌ها در جنگ دوری از خانواده و عزیزانشان را تحمل کردند.

نام همسر علی رضا، وجیحه رحیم نیاست. او هم جزء کادر درمان است و کیلومترها آنطرفتر در بیمارستان شهید چمران شهرستان فردوس در خراسان جنوبی مشغول به کار است. علی رضا می‌گوید: مثل رزمنده‌های اول انقلاب خیلی ساده و بی ریا عقد کردیم. فروردین ماه

امسال در اوج بیماری کرونا. هیچ کس نبود. نه فامیلی، نه دوستی، نه آشنایی. از روز عقد هم فقط سه بار فرصت کردیم که همدیگر را ببینیم. این روزها به علی رضا و هم رزمانش در کادر درمان خیلی سخت می‌گذرد. او می‌گوید: امسال چهار نفر از همکارانم را به خاطر بیماری کرونا از دست دادیم، کمک هزینه حق کرونا هم فقط ۱۸۰ هزار تومان دریافت کردیم. مرخصی‌هایمان لغو شده، با اینکه در حال حاضر به کادر درمان احتیاج است خیلی از دوستانم بیکار شده‌اند و بیمارستان‌ها با آنها قرارداد نبسته‌اند و طرح‌هایشان را تمدید نکرده‌اند. با این حال و در این شرایط دشوار ما ایستاده‌ایم، تا آخر هم ایستاده‌ایم. ما برای نگه داشتن این آب و خاک، برای حفظ جان مردم عزیزمان و آسایش آنها جان‌های زیادی را فدا کردیم و این جان‌ناقل ما در مقابل خون مطهر سرداران و سربازان این خاک و بوم و پیر و جوان کشورمان چه ارزش دارد. ما سربازانی هستیم که برای ایثار کردن به دنیا آمده‌ایم حتی اگر مثل حالا هیچ حقوق و مزایایی دریافت نکنیم. تصور می‌کردم که شاید یک جاهایی شعار می‌دهد اما لحن مصمم و باور قلبی‌اش برای ایستادگی در جبهه‌ای تازه نشانه‌ای بود از بروز نسل تازه ایثارگران کشور در جبهه‌ای تازه و زمزمه این که: ما برای اینکه ایران، کشوری آباد شود، خون دل‌ها خورده‌ایم...





شهادت به وقت خدمت

گردآورنده : احمد معینی

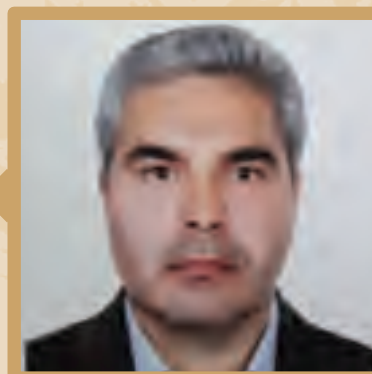
بی شک همه ما باور داریم مدافعان سلامت ادامه دهندگان راه شهدا و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس هستند. از خودگذشتگی و ایثار مدافعان سلامت در ذهن ملت ایران خواهد ماند و به یاری خدا این ویروس را در کشور ریشه کن خواهیم کرد. بر اساس آمار ارائه شده توسط تأمین اجتماعی و دانشگاه‌های علوم پزشکی از شهرهای مختلف به سازمان نظام پزشکی تاکنون بیش از ۱۲۰ نفر از کادر درمان و مدافعان سلامت بر اثر کرونا جان باخته‌اند و حدود چهار هزار نفر به کرونا مبتلا شده‌اند و این تعداد روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود.



سرهنگ پاسدار صادق رئیسی، معاون هماهنگ‌کننده بهداری قرارگاه قدس سپاه در جنوب شرق کشور، در بیمارستان تخصصی نبی اکرم (ص) زاهدان به دلیل ابتلا به ویروس منحوس کرونا در عروجه عاشقانه دعوت حق را لبیک گفت و به جمع یاران شهیدش پیوست. این شهید بزرگوار از روزهای ابتدایی انتشار ویروس کرونا آماده خدمت برای رسیدگی و درمان بیماران بود و سرانجام به مقام رفیع شهادت که آرزوی دیرینه‌اش بود رسید.

«محمد شکری» پرستار شاغل در بهداری زندان مرکزی مشهد و بیمارستان ثامن الائمه (ع)، که حین خدمت به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده بود، اولین شهید خدمت مدافع سلامت در بین پرستاران مشهد شد.

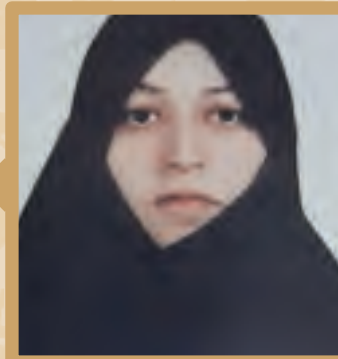
تاکنون پرستاران بسیاری در بیمارستان‌های مشهد حین خدمت به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده و سیر بهبودی را طی کرده‌اند.





شادروان دکتر رشیدی بعنوان چهاردهمین شهید خدمت دانشگاه علوم پزشکی مازندران روز دوشنبه سوم شهریور به خیل شهدای مدافع سلامت پیوست.
دکتر رشیدی در روزهای اخیر بر اثر ابتلا به بیماری کرونا در بیمارستان بستری شد، اما بر اثر ضایعات ریوی ناشی از این بیماری دعوت حق را لبیک گفت. این شهید مدافع سلامت متخصص جراحی عمومی بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان نور بود.

خانم سیده فاطمه شفیعی نژاد پرستار مرکز آموزشی درمانی فاطمه زهرا (س) شهرستان ساری به خیل شهدای سلامت پیوست. این شهیده گرانقدر در روزهای اخیر بر اثر ابتلا به بیماری کرونا در بیمارستان بستری شد و بر اثر ضایعات ریوی ناشی از بیماری کرونا دعوت حق را لبیک گفت.
خانم شفیعی نژاد پانزدهمین شهید مدافع سلامت در مبارزه با کرونا از دانشگاه علوم پزشکی مازندران است که جان خود را در راه خدمت به هموطنان نثار کرد.



«زهرا رگبار» پرستار بیمارستان شهدای خلیج فارس شهر بوشهر بر اثر ابتلا به کرونا به خیل شهدای مدافع سلامت پیوست.
این شهیده مدافع سلامت بر اثر ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در بیمارستان شهدای خلیج فارس بستری بود که با وجود تلاش پزشکان و کادر درمان این بیمارستان جان خود را نثار خدمت به هموطنان کرد.



مریم شرفخواه به مدت ۲۱ سال در مرکز آموزشی و درمانی کوثر و مهرگان قزوین مشغول به کار بوده و از روزهای نخست شیوع بیماری کرونا در کشور در خط مقدم مبارزه با این بیماری بوده است.
وی نزدیک به یک هفته بعد از ابتلا به بیماری با وجود تلاشهای کادر درمانی بیمارستان، دار فانی را وداع گفت.





نویسنده: مهدی عابدینی

است. آری، باید برای تقویت عرق دینی و ترویج سنت‌های نیکو در میان نسل جوان از اراده‌های نیرومند و همت طلایه‌داران عظمت‌های معنوی استمداد طلبید که حضرت علی اکبر یکی از بهترین الگوهای جوانان است بدین سبب روز میلاد حضرت به عنوان روز جوان نامگذاری شده است.

حضرت علی اکبر علیه السلام در خاندانی رشد یافت که حافظ سرّ خداوند، جانشینان برحق آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ذریه او هستند.

در روز یازدهم شعبان سال سی و سوم هجرت ستاره‌ای پرفروغ در آسمان خاندان عصمت هویدا گردید که درخشش و تابش آن شیعیان و اصحاب ائمه را در موجی از شادی و شمع فرو برد. این درخشان کسی جز علی اکبر نیست که در شهر مدینه و در بیت امامت دیده به جهان گشود.

شرایط خانوادگی و محیط پرورش او پاکیزه‌ترین و عالی‌ترین مکان بود. این کودک تحت عنایت ویژه پدر و در سایه توجهات عموبش امام حسن علیه السلام و در دامن مادرش لیلی پرورش یافت، با ولادت وی رایحه عطر آگین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در فضای خانه امام حسین علیه السلام بیش از پیش استشمام

جامعه اسلامی و به خصوص نسل جوان، در جستجوی قهرمانی محبوب و اسوه‌ای شایسته است تا اخلاق و رفتار خویش را مطابق او تنظیم نماید. بدان امید که پرتویی از کمالات وی در وجودش راه یابد و از امتیازات الگوی خویش بهره‌مند گردد. یک جامعه سالم و زنده که مشعل اصلاح، ترقی، توسعه فکری و فرهنگی را به دوش می‌کشد و در تباهی‌ها و مفسد کنونی که چون مرداب‌های متعفن جهان را فرا گرفته، انسان‌های تشنه حق را به سرچشمه معنویت و معرفت توجّه می‌دهد، در صورتی می‌تواند در این راه موفق شود که در جهت بهبود وضع فکری و روحی جوانان اهتمام ورزد. به طور مسلم بزرگ‌ترین و مؤثرترین عامل که جوانان را به سوی معارف دینی و افتخارات معنوی سوق می‌دهد و مجد و عزّت و عظمت آنان را میسر می‌سازد و روح ایمان و فداکاری را در اعماق وجودشان احیا می‌کند، معرفی ابعاد زندگی اسوه‌های فضایل و جلوه‌های مکارم





صبر و استقامت

از جمله الگوهای بارز صبر، علی اکبر(ع) است که در روز عاشورا، جلوۀ باشکوهی از صبوری را به نمایش گذارد.

امام خمینی(ره) در لزوم الگوپذیری از اولین جوان شهید آل الله در کربلا فرمود:

وقتی که ما برای اسلام و برای احیای سنت پیغمبر(ص) و اقامه عدل به پاخاستیم نباید از این بترسیم که از ما شهید [می شود] شهادت پیدا می کند؛ اولادمان شهید می شوند، خودمان شهید می شویم. این یک سیره‌ای بوده که در اسلام، از اول بوده. از اول پیغمبر خدا(ص) و ائمه ما(ع) فداکاری کردند، شهادت نصیبشان شد، اولاد دادند. حضرت علی بن الحسین (علی اکبر) به پدر بزرگوارشان عرض می کند که [مگر] ما به حق نیستیم؟! می فرماید: چرا، ما به حقیم. می فرماید: پس، از مردن نمی ترسیم (لا نبالی بالموت). کسی باید از مردن بترسد که خیال کند بعد از مُردن، خبری نیست؛ همه اش همین است... زندگی انسانی در یک عالم دیگری، بالاتر از این جاست؛ این دیگر ترسی ندارد، خوفی ندارد. انسان از این محل به محل دیگری منتقل می شود که بهتر از این جاست.



می گردید. هر کس بر او می نگرست، انگشت حیرت به دندان می گرفت. چرا که گویی فروغ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نظاره گر است.

فضایل علی اکبر علیه السلام

بصیرت

معنای لغوی «بصیرت»، «علم، عبرت و حجت» است و در اصطلاح قرآنی، آن را به معنای «رویت قلبی و باطنی» دانسته اند.

در همین راستا صرف ایمان و عمل تعبدی و خالی از بصیرت نیز ارزش چندانی ندارد و انسان مؤمن و باتقوای بی بصیرت نیز راه به جایی نمی برد. از این رو، ایمان و عمل، زمانی ارزش حقیقی خود را دارد و تأثیرگذاری مطلوب را به جای می گذارد که با معرفت و بصیرت دینی همراه و آمیخته باشد.

محبت و اطاعت

دومین شاخصه ولایت مداری علی اکبر(ع)، اطاعت بی چون و چرای او از ولی خداست؛ اطاعتی مخلصانه و از روی آگاهی و بر اساس حُب به ولایت؛

از سوی دیگر محبت، شالوده هر نوع ولایتی است؛ زیرا بدون کشش و علاقه قلبی، هیچ گونه پیوند و ارتباط معنوی و روحی برقرار نمی شود. اما محبت تنها یک علاقه قلبی ضعیف و خالی از اثر نیست؛ بلکه باید آثار آن، در عمل انعکاس یابد. مهم ترین آثار محبت عبارتند از حرکت آفرینی و پویایی، اطاعت پذیری، لذت بخشی انس با محبوب و کسب احساس آرامش، اطمینان و امید به آینده.

معرفی کتاب «دختر شینا»

نویسنده: بهناز ضرابی زاده

برشی از کتاب:
گفتم: «تو اصلاً خانواده‌ات را دوست نداری.»
سرش را برگرداند. چیزی نگفت. لنگ‌لنگان رفت گوشه
هال نشست و گفت: «حق داری. آنچه باید برایتان
می‌کردم، نکردم. اما به خدا همیشه دوستتان داشتم
و دارم.»
گفتم: «نه، تو جبهه و امام را بیشتر از ما دوست داری.»
از دستم کلافه شده بود گفت: «قدم! امروز چرا این
طوری شدی؟ چرا سر به سرم می‌گذاری؟!»
یک دفعه از دهانم پرید و گفتم: «چون دوست دارم.»
این اولین باری بود که این حرف را می‌زدم. دیدم
سرش را گذاشت روی زانویش و های‌های گریه کرد.
گفت: «یک عمر منتظر شنیدن این جمله بودم قدم
جان. حالا چرا؟! کاش این دم آخر هم نگفته بودی. دلم
را می‌لرزانی و می‌فرستی‌ام دم تیغ. من هم تو را دوست
دارم. اما چه کنم؟! تکلیف چیز دیگری است.»

گردآوری: فاطمه اسلامی

کتاب «دختر شینا»، روایت خاطره‌وار زندگی زنی
ستودنی به نام «قدم‌خیر محمدی کنعان»، همسر سردار
شهید «حاج‌ستار ابراهیمی هژیر» است. خانم قدم‌خیر
محمدی کنعان در یکی از روستاهای خوش‌آب‌وهوای رزن
به نام «قایش» متولد می‌شود. در حدود ۱۵ سالگی به
عقد ستار ابراهیمی هژیر در می‌آید و در همان اوایل
ازدواج، همسرش به علت نبودن کار، مجبور به ترک
همسر و زندگی خود می‌شود و به تهران می‌رود. در آنجا
به تشکلهای انقلابی می‌پیوندد و در راهپیمایی‌های
ضد نظام پهلوی شرکت کرده و هنگام ورود امام خمینی (ره)
به ایران، در بهشت زهرا حضور پیدا می‌کند. نوعروس
روایت ما به تنهایی نوزادش را به دنیا می‌آورد. با شروع
جنگ تحمیلی، ستار به علت علاقه وافر به امام (ره)، به
جبهه‌های نبرد حق علیه باطل می‌رود و قدم‌خیر دوباره
باید مسئولیت بچه‌ها و خانه و زندگی‌اش را به تنهایی به
دوش بکشد. قدم‌خیر از ستار صاحب پنج فرزند به نام
های «خدیجه، معصومه، مهدی، زهرا و سمیه» می‌شود.
در مورد نام‌گذاری این کتاب می‌توان گفت: خدیجه،
دختر بزرگ حاج ستار در اوایل کودکی و هنگامی که
زبان گشود، نام مادر قدم‌خیر را که «شیرین» بود،
«شینا» صدا کرد. این نام روی شیرین جان ماند و بعدها
نام کتاب بهناز ضرابی‌زاده هم «دختر شینا» شد. رهبر
معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در شهریورماه
سال ۱۳۹۱، یادداشت تجلیلی بر این کتاب نوشتند و
صبوری و ایمان و فداکاری این همسر شهید را ستودند.
ستار در اسفندماه سال ۱۳۶۵ پس از سال‌ها حضور در
جبهه‌ها و جانبازی و رشادت، در عملیات کربلای پنج به
شهادت رسید و همسرش قدم‌خیر نیز در سال ۱۳۸۸ به
همسر شهیدش پیوست.





معرفی کتاب سهم من از عاشقی

نویسنده : رمضانعلی کاووسی

چپم تایپ کرده‌ام. تصمیم گرفتم ابتدا خاطرات زندگی‌ام را از دوران کودکی به تصویر بکشم؛ نیز مشکلات و محرومیت‌هایی را که در زمان تحصیل با آن‌ها مواجه بوده‌ام، و بعد اتفاقات شب عملیات و گذران روزهای جانبازی‌ام را به تفصیل شرح دهم. می‌خواهم، با نوشتن خاطراتم، حکایت جنگیدن و مجروح شدن یکی از فرزندان این آب و خاک برای آیندگان به یادگار بماند.

من خاطراتم را نگاشتم تا دانش مردم کشورم دربارهٔ جانبازان به برخورداری از سهمیهٔ دانشگاه و شاید نام یک کوچه یا خیابان خلاصه نشود. می‌نویسم تا آیندگان بدانند برای بعضی از رزمندگان این آب و خاک جنگ در سال ۱۳۶۸ تمام نشد و هنوز ادامه دارد. می‌نویسم تا مردم ایران بدانند عده‌ای از فرزندان این دیار مجبور شدند بعد از جنگ، با خوابیدن روی تخت و نشستن روی ویلچر، مبارزهٔ دیگری را با درد و رنج و مشکلات گوناگون آغاز کنند. مردم ما نمی‌دانند مشکلاتی گریبان‌گیر یک جانباز قطع نخاع است که گاهی قلم نیز، به دلیل نارسایی واژه‌ها، مجبور است در برابر آن‌ها دم فرو بنده. این کتاب توسط انتشارات سوره مهر در ۳۸۴ صفحه به چاپ رسیده است و خواندن آن قطعاً خالی از لطف نخواهد بود.

گردآوری: پریسا علیزاده

«رمضانعلی کاووسی» ایثارگر و جانباز ۷۰ درصد کشورمان، در کتاب «سهم من از عاشقی» خاطرات خود از دوران کودکی تا روزهای پس از جنگ را نوشته است. خاطرات نویسنده از دوران کودکی‌اش در یکی از روستاهای اصفهان شروع شده، با مبارزات انقلابی وی با رژیم شاه ادامه یافته و سپس خاطرات جنگ تحمیلی روایت می‌شود. او که از جانبازان آسیب‌ناخعی از ناحیه گردن است، تجربیاتش را در این خصوص بیان کرده تا شاید برای دیگر افرادی که دچار این آسیب‌ها هستند نیز مفید باشد. به گفته نویسنده، وی این کتاب را فقط با انگشت سبابه دست چپ تایپ کرده است.

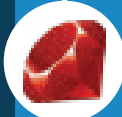
در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: سیزدهم آبان سال ۱۳۶۱، در جنگ تحمیلی عراق علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، بر اثر اصابت ترکش خمپاره به گردنم، جانباز ضایعه‌ناخعی شدم. از زمان جانباز شدن تاکنون، همنشین ویلچر هستم. راضی‌ام به رضای حضرت دوست که «هرچه بر سر ما می‌رود، ارادت اوست». دست‌هایم توانایی چندانی برای نوشتن ندارد. مطالب این کتاب را فقط با انگشت سبابهٔ دست



نگاهی به تکامل زبان های برنامه نویسی

زبان برنامه نویسی: RUBY ON RAILS ۲۰۰۵

توسعه توسط دیوید هینمیر هنسون
یک ابزار مدیریت پروژه با ۳۷ ابزار.



زبان برنامه نویسی ASP.net : ۲۰۰۲

توسعه توسط مایکروسافت
استفاده جهت پیکربندی و مدیریت وبسایت ها ،
نرم افزارهای تحت وب و سرویس های وب



زبان برنامه نویسی: JAVASCRIPT ۱۹۹۵

زبان های JAVA و JAVASCRIPT به هم
بی ارتباط اند و تفاوت های بسیاری با هم دارند.
توسعه توسط برندن ایچ (Eich)



زبان برنامه نویسی: JAVA ۱۹۹۵ میلادی

جاوا اکنون روی بیش از ۱.۱ میلیارد رایانه شخصی
در سرتاسر جهان کار می کند و بسیاری وبسایت
ها بدون آن اصلاً کار نمی کنند.



زبان برنامه نویسی: PHP ۱۹۹۵ میلادی

توسعه توسط راسموس لردورف
تا کنون بیش از ۲۰ میلیون وبسایت در اینترنت با
PHP توسعه یافته اند.



زبان برنامه نویسی: RUBY ۱۹۹۳ میلادی

توسعه توسط یوکی هیرو ماتز ماتسوموتو
نمونه کاربرد: استفاده شده توسط BASECAMP



زبان برنامه نویسی: PYTHON ۱۹۹۱ میلادی

توسط آقای گویدو ون روسام (Guido Van Rossum)
مورد استفاده در موتور جستجوی گوگل، یوتیوب و
سازمان فضایی ناسا



زبان برنامه نویسی: PERL ۱۹۸۷ میلادی

توسعه توسط لری وال (Wall)
مخفف عبارت Practical Extraction Report
Language یا زبان عملی استخراج گزارش



زبان برنامه نویسی: Fortan ۱۹۵۷ میلادی

قدیمی ترین زبان
به معنی ترجمه گر فرمول ها
توسعه توسط جان باکوس (John Backus)



زبان برنامه نویسی: COBOL ۱۹۵۹ میلادی

پشت پرده اکثر سیستم های مالی و بانکی
تیم توسعه به رهبری دکتر گریس موری هاپر
(Grace Murray Hopper)



زبان برنامه نویسی: BASIC ۱۹۶۴ میلادی

توسعه توسط گروهی از دانشجویان در کالج
دارتموث
بعدها نسخه بهینه سازی شده ای از بیسیک توسط
بیل گیتس و پل آلن نوشته شد.



زبان برنامه نویسی: C ۱۹۶۹ میلادی

توسعه بین سال های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ توسط دنیس
ریتچی (Ritchie)
سیستم عامل لینوکس امروزی بر مبنای C نوشته
شده است.



زبان برنامه نویسی: PASCAL ۱۹۷۰ میلادی

به افتخار بلیز پاسکال (مخترع اولین ماشین
حساب در ۱۶۴۱) دانشمند معروف فرانسوی به این
نام نهاده شد.
توسعه توسط نیکلاس ورث (Wirth)



زبان برنامه نویسی ++C : ۱۹۸۳ میلادی

آقای بچارن استروستروپ (Bjarne Stroustrup)
زبان C را به نسخه ++C ارتقا داد.
از محبوب ترین زبان ها تا زمان حاضر.





آزادگان در کلام رهبر انقلاب (مدظله العالی)

لحظه لحظه دوران اسارت شما، صدقه است.
لحظه لحظه، صدقه است! آن لحظه های پررنجی که
شما گذراندید، یک سرمایه شد.

۱۳۷۷/۰۵/۲۱

ماندن برای ساختن



صادرات خدمات، واردات ارز

وقتی سه نخبه ایرانی دست رد بر سینه نمایندگان کشورهای اروپایی زدند و پیشنهاد آنها مبنی بر اقامت دائم در قلب اروپا را رد کردند بر کذب بودن ادعاهای گاه و بیگاه رسانه‌های بیگانه صحنه گذاشتند. رسانه‌هایی که هر چند وقت ادعای کذب فرار مغزها از ایران را مطرح می‌کنند. نخبه‌های ایرانی کاری کردند کارستان. در ایران ماندند و عزمشان را برای پیشرفت کشور جزم کردند. نخبه جوان حمیدرضا قهرمانی می‌گوید: «نخبه‌هایی را دور هم جمع کردیم که هر یک حرفی برای گفتن داشتند. سپس تیم نرم‌افزاری و برنامه‌نویسی تشکیل دادیم و حالا علاوه بر پیشبرد ایده‌های کسب و کار در ایران پروژه‌های نرم‌افزاری را برای کشورهای اروپایی انجام می‌دهیم. شعار ما این است صادرات خدمات، واردات ارز»

گردآورنده: حامد معز



ورود به دنیای نخبگان

دانش آموخته مهندسی برق دانشگاه تهران است. سرپر سودایی داشت. خودش را محدود به کتاب درسی و گرفتن نمره بیست از دروس دانشگاهی نکرد. برای همین هم از دوره کارشناسی، فعالیت‌های اقتصادی را آغاز و سعی کرد. راهی برای پیوند فعالیت‌های علمی و اقتصادی پیدا کند.

«حمیدرضا قهرمانی» با همفکری دو دوست نخبه‌اش، بعد از ماه‌ها تحقیق و مطالعه با اختراع دستگاهی دانش‌بنیان در حوزه تجهیزات پزشکی وارد دنیای نخبه‌ها شد.

او در مورد اولین اختراعش می‌گوید: «این دستگاه پی‌سی‌آر نام دارد. دستگاهی که اجازه تکثیر نمونه DNA را برای دستیابی به نتیجه قابل اطمینان آزمایش‌های مهم می‌دهد و گره بسیاری از مشکلات را در دنیای تجهیزات پزشکی باز می‌کند.» این اختراع کام نخبه‌های جوان را شیرین کرد. آنقدر که تصمیم گرفتند شرکتی دانش‌بنیان تاسیس کنند و همه فکر و ذکرشان شد طراحی ایده‌های علمی.